

۱۴

چهل داستان وچهل حدیث از

امام زمان علیہ السلام



عبداللہ صاکی

چهل داستان و چهل حدیث

از

امام زمان علیه السلام

مؤلف: عبدالله صالحی



نام کتاب: چهل داستان و چهل حدیث از امام زمان علیه السلام
مؤلف: حجة الاسلام و المسلمین عبدالله صالحی
ناشر: مهدی یار
نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۳۰۰۰
قطع: رقعی
تاریخ چاپ: بهار ۱۳۸۱
لیتوگرافی: کوثر
چاپ: امین
قیمت: ۵۰۰۰ ریال

مرکز پخش:

قم: انتشارات مهدی یار ۷۷۴۴۸۵۲ و همراه ۰۹۱۱۲۵۱۱۳۹۲

شابک: ۱ - ۱۰ - ۷۶۴۳ - ۹۶۴ - ۱ - ۱۰ - ۷۶۴۳ - ۹۶۴ - ۱۰ - ۷۶۴۳ - ۹۶۴





اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِمُحَمَّدٍ
وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

* فهرست مطالب *

- * پیشگفتار ۸
- * خلاصه حالات امام زمان علیه السلام ۱۱
- * در مدح دوازدهمین اختر امامت ۱۴
- * میلاد سعادت بخش ۱۷
- ۱- فایده عطسه و برخورد با آن ۲۰
- ۲- جواب چهل مسئله مشکل از کودکی خردسال ۲۲
- ۳- تشخیص حرام و حلال برای کودکی خردسال ۲۶
- ۴- ظهور از پشت پرده با خصوصیات ۲۹
- ۵- او را نخواهید دید ۳۱
- ۶- فقط حجّت بر حجّت نماز می خواند ۳۳
- ۷- مشورت با آینده‌نگر آگاه ۳۶
- ۸- علائم و نشانه‌های قبل از ظهور نور ۳۸
- ۹- حوادث ظهور و خروج نور ۴۲
- ۱۰- قانون پیاده‌رو و سواره ۴۶
- ۱۱- همچون شمایل جدش ظاهر می شود ۴۷
- ۱۲- ظهور نور در مدینه و اعدام دو جنایت‌کار ۴۹
- ۱۳- تهیه آذوقه لشکر امام زمان (عج) ۵۲

- ۱۵ - پیراهن یوسف و ابراهیم کجاست؟ ۵۳
- ۱۶ - سرزنش در برگرداندن هدایا ۵۵
- ۱۷ - ریگ طلا در طواف کعبه ۵۸
- ۱۸ - خلیفه تمام انبیاء و ائمه در شهر کوفه ۶۰
- ۱۹ - هفده نوع اطلاعات ۶۲
- ۲۰ - خصوصیات حضرت از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله ۶۶
- ۲۱ - ده هزار نیرو در مقابل میلیاردها ۶۹
- ۲۲ - خصایص حضرت حجت علیه السلام ۷۱
- ۲۳ - مردی کهن سال با شکل جوانی ۷۳
- ۲۴ - شهرسازی و تخریب و کندی حرکت افلاک ۷۵
- ۲۵ - ظهور نور و انتقام از ظالم ۷۸
- ۲۶ - قاتل شیطان کیست؟ ۸۰
- ۲۷ - آشنائی به درون و استجابت دعا ۸۱
- ۲۸ - درخواست مطالبات سفارشی ۸۲
- ۲۹ - دریافت وجوهات و تعیین نماینده ۸۴
- ۳۰ - اولین برنامه عملی پس از ظهور و قیام ۸۶
- ۳۱ - جبرئیل اولین بیعت کننده در کعبه الهی ۸۸
- ۳۲ - سیره و روش تشکیل حکومت جهانی ۹۰
- ۳۳ - خبر از درون میهمان مسافر و پذیرائی ۹۲
- ۳۴ - نابودی آثار ظالمان و قتل مخالفان بعد از بیان حجت ۹۵
- ۳۵ - زیارت امام حسین (ع) و همراهی با یکی از مخالفین ۹۸

-
- ۳۶ - راهنمایی و کمک به حاجی اسدآبادی گم گشته ۱۰۰
- ۳۷ - تقسیم عادلانه و حکم بر حقایق مذاهب ۱۰۲
- ۳۸ - مهمان نوازی و هدایت ۱۰۴
- ۳۹ - جواب نامه و ناراحتی از برگشت هدیه ۱۰۷
- ۴۰ - اطلاعیه‌ای بر غیبت کبری ۱۱۰
- * منقبت دوازدهمین ستاره هدایت ۱۱۲
- * پنج درس ارزشمند و آموزنده ۱۱۵
- * اظهار محبت نسبت به حضرت مهدی (عج) ۱۱۹
- * چهل حدیث گهربار منتخب ۱۲۱
- * فهرست موضوعی احادیث ۱۳۴

﴿ به نام هستی بخش جهان آفرین ﴾

* پیشگفتار:

شکر و سپاس بی منتها، خدای بزرگ را، که ما را از امت مرحومه قرار داد و به صراط مستقیم، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت صلوات الله عليهم اجمعین هدایت نمود.

بهترین تحیت و درود بر روان پاک پیامبر عالی قدر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ و بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، خصوصاً دوازدهمین خلیفه بر حقش حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف.

و لعن و نفرین بر دشمنان و مخالفان اهل بیت رسالت که در حقیقت دشمنان خدا و قرآن می باشند.

* * * * *

نوشتاری که در اختیار شما خواننده محترم قرار دارد، برگرفته شده است از زندگی سراسر آموزنده آن شخصیت ممتاز و والائی که تمام ملت ها - هر یک به عنوانی - در انتظار ظهور مبارکش هستند و تمام انبیاء و اوصیاء به عنوان مهدی موعود علیه السلام بر وجود آن حضرت بشارت داده اند.

و چون ظهور نماید، حضرت عیسی مسیح علیه السلام فرود آید و پشت سرش نماز جماعت بخواند؛ و حضرتش جهان را پر از عدل و داد

نماید؛ و نیز به برکت وجود پرافتخارش زمین و آسمان برکات خود را بر مؤمنین و بندگان صالح، وافر گردانند.

و جدّ بزرگوارش حضرت رسول اکرم ﷺ ضمن حدیثی طولانی فرمود:

همانا خداوند متعال، نطفهٔ فرزندم مهدی علیه السلام را مبارک و پاک و پاکیزه قرار داده است، بندگان با ایمان به برکت وجود او شادمان خواهند بود.

همچنین خداوند متعال عهد و میثاق ولایت او را از همگان، برایش گرفته است، او هدایت‌گر و سعادت‌بخش مؤمنین خواهد بود، او سبب عزت و شرافت بندگان صالح؛ و سبب ذلت و خواری مخالفان و منافقان می‌باشد.

هنگام ظهور و خروجش، جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ و دیگر یاران پشت سر او حرکت می‌نمایند و...
آیات شریفهٔ قرآن، احادیث قدسیه و روایات بسیار با سندهای مختلف در منقبت و شخصیت آن خاتم اوصیاء و فریاد رس مظلومان، در کتاب‌های مختلف به زبان‌های گوناگون وارد شده است.

و این مجموعهٔ مختصر، ذره‌ای از قطرهٔ اقیانوس بی‌کران حیات‌بخش، وجود جامع و کامل آن امام همام می‌باشد، که برگزیده

و گلچینی است از ده‌ها کتاب معتبر^(۱) در جهت‌های مختلف: عقیدتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و ...
باشد که این ذرّه دلنشین و لذت‌بخش مورد استفاده و إفاده عموم، خصوصاً جوانان عزیز قرار گیرد.

و ذخیره‌ای باشد «لِيَوْمٍ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ
* بِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ لَهُ عَلَيَّ حَقٌّ» انشاء الله تعالی.

مؤلف

۱ - فهرست نام و مشخصات بعضی از کتابهایی که مورد استفاده قرار گرفته است در آخرین قسمت جلد دوم

همین مجموعه نفیسه موجود می‌باشد.

﴿ خلاصه حالات ﴾

﴿ چهاردهمین معصوم: دوازدهمین اختر امامت ﴾

آن حضرت نزدیک طلوع فجر، روز جمعه، نیمه ماه شعبان، سال ۲۵۴ هجری قمری^(۱) در شهر سامراء به طور مخفی و پنهان از دید عموم، پا به عرصه وجود نهاد.

* نام: م ح م م د^(۲) صلوات الله و سلامه علیه؛ و عجل الله تعالی فی فرجه الشریف.^(۳)

* کنیه: ابوالقاسم، ابوجعفر و...

* لقب: بیش از نهصد لقب برای حضرتش ذکر کرده اند که در کتب مختلف موجود می باشد از آن جمله: مهدی، حجت، منتقم، بقیه الله الأعظم، قائم آل محمد، صاحب الزمان و...

* پدر: امام حسن عسکری صلوات الله و سلامه علیه.

* مادر: به نام های نرجس، ملیکه، ریحانه، صیقل و سوسن معروف است.

۱ - مطابق با بیست و دوم مرداد ماه، سال ۲۴۷ هجری شمسی می باشد.

۲ - نام و لقب مبارک آن حضرت به عنوان امام «محمد، مهدی» علیه السلام طبق عدد حروف ابجد کبیر - ۹۲،

۵۹ - می باشد.

۳ - طبق احادیث وارده: گفتن نام صریح امام زمان علیه السلام در زمان غیبت حرام و غیرمجاز است، که بعضی از

آن احادیث، ضمن چهل حدیث منتخب خواهد آمد.

* نقش انگشتر: «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ خَاصَّتُهُ».

* دربان: چهار نفر به نام‌های عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح، علی بن محمد سمري، در غیبت صغری وکالت و وساطت حضرت را بر عهده داشته‌اند.

* جریان ولادت آن حضرت، همانند حضرت موسی کلیم علیه السلام در کنار کاخ طاغوت زمان، مخفی و پنهان از دید جاسوس‌ها و عموم مردم انجام گرفت.

* حضرت دارای دو غیبت بوده است: یکی غیبت صغری - که حدود هفتاد و پنج سال به طول انجامید - و دیگری غیبت کبری می‌باشد - که تقریباً از سال ۳۳۰ هجری قمری شروع شد.

و از آن زمان به بعد برای حضرت، وکیل و نایب خاص معرفی و معین نشده است، بلکه مجتهدین جامع‌الشرايط - به عنوان وکیل و نایب عام - امور جامعه را بر عهده داشته و دارند.

* آن حضرت در همین جامعه، بین افراد رفت و آمد و در مجالس به صورت ناشناس شرکت می‌نماید؛ و نیز همه را می‌بیند و شاهد اعمال همگان خواهد بود.

ولی دیگران هم گرچه او را می‌بینند، اما شخص حضرتش را نمی‌شناسند که کدام یک از اشخاص می‌باشد.

* افراد بسیاری در غیبت کبری به محضر مبارکش شرفیاب شده‌اند و کسب فیض کرده‌اند.

* علائم و نشانه‌های متعدد و گوناگونی جهت ظهور و قیام آن

حضرت، توسط معصومین علیهم السلام بیان و مطرح شده است، که در کتاب‌های مختلف اهل سنت و شیعه به طور مشروح و مبسوط مذکور می‌باشد.

* وقتی حضرت در مکه معظمه ظهور نماید، ۳۱۳ نفر از اصحاب و فرماندهان او از اطراف و شهرهای مختلف در کنار کعبه الهی جمع شوند و در دست هر کدام شمشیری خواهد بود.

و سپس منادی بین زمین و آسمان گوید: این مهدی موعود است که ظهور کرده و به شیوه حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام قضاوت خواهد نمود و بی‌تنبه و شاهد، لازم ندارد.

* طبق آنچه در روایات آمده است: حکومت آن حضرت بین هفت تا نه سال به طول خواهد انجامید.^(۱)

* مدت امامت: حضرت بنابر مشهور بین روایات، روز جمعه، نهم ربیع الاول، سال ۲۶۰ هجری قمری پس از شهادت پدر بزرگوارش، در سنین پنج سالگی به منصب و مقام عظمی و والای امامت و خلافت نائل گردید.

و از آن زمان تا کنون حدود ۱۱۵۷ سال می‌باشد و در آینده تا هر

۱ - شخصی از امام جعفر صادق علیه السلام سؤال نمود که امام زمان علیه السلام چند سال حکومتش به طول می‌انجامد؟ حضرت فرمود: هفت سال، روزها و شبهایش به اندازه‌ای طولانی می‌گردد که یک سال آن مساوی است با ده سال از سالهای دوران شما، پس مجموع حکومت آن حضرت هفتاد سال از سالهای شما خواهد بود. غیبه طوسی: ص ۴۷۴، ح ۴۹۷، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۰.

* و در بعضی روایات آمده که مدت حکومت حضرت ۳۰۹ (سیصد و نه) سال خواهد بود. توضیح در اولین پاورقی داستان ۲۴ موجود است.

لحظه که خداوند متعال اراده نماید، امامت و هدایت جامعه را به عهده خواهد داشت.

* مدت عمر: آن حضرت حدود پنج سال، هم‌زمان با پدر بزرگوارش حضرت ابومحمد، امام حسن عسگری علیه السلام بوده و پس از آن تا این زمان - که روی هم ۱۱۶۲ سال باشد - عمر پربرکت آن حضرت می‌باشد و در آینده تا هر زمان که خداوند بخواهد، تداوم خواهد یافت.

* نماز امام زمان علیه السلام دو رکعت است، که در هر رکعت سوره حمد یک مرتبه و چون به جمله «إِيتَاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسد، صد مرتبه آن را تکرار نماید؛ و بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره توحید خوانده می‌شود، همچنین هر یک از ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید.

و چون سلام نماز را دهد، تسبیح حضرت زهراء علیها السلام را بگوید و در بعضی عبارات آمده است که بعد از آن، نیز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود.

و بعد از آن، حوائج مشروعۀ خود را از خداوند طلب نماید.^(۱)

۱ - ولادت و دیگر حالات حضرت برگرفته شده است از:

اصول کافی: ج ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶، تاریخ اهل البيت علیهم السلام، مجموعه نفیسه، أعیان الشیعه: ج ۲، کشف الغمّة: ج ۲، ینایع المودّة، بحار الأنوار، جمال الأسبوع، دعوات راوندی، إعلام الوری طبرسی: ج ۲، دلائل الإمامة و....

* در مدح دوازدهمین اختر امامت *

سحر از دامن نرجس، برآمد نوگلی زیبا
 گلی کز بوی دلجویش، جهان پیر شد برنا
 زهی سروری که الطافش، فکنده سایه بر عالم
 زهی صبحی که انفاسش، دمیده روح در اعضا
 سپیده دم ز دریای کرم برخواست امواجی
 که عالم غرق رحمت شد، از آن موج روح افزا
 به صبح نیمه شعبان تجلی کرد خورشیدی
 که از نور جبینش شد، منور دیده زهرا
 چه مولودی که همتایش ندیده دیده گردون
 چه فرزندی که مانندش، نزاده مادر دنیا
 به صولت تالی حیدر، به صورت شبه پیغمبر
 به سیرت مظهر داور، ولی والی والا
 قدم در عرصه عالم، نهاده پاک فرزندش
 که چشم آفرینش شد، ز نورش روشن و بینا
 به پاس مقدم او شد، مزین عالم پائین
 ز نور طلعت او شد، منور عالم بالا
 چو گیرد پرچم (آنا فتحنا)، در کف قدرت
 لوای نصرت افرازد، بر این نه گنبد خضراء

شها چشم انتظاران را، ز هجران جان به لب آمد
 بتاب ای کوکب رحمت، بر افکن پرده از سیما
 توگر عارض بر افروزی، جهان شود روشن
 توگر قامت برافرازی، قیامت‌ها شود برپا
 توگر لشگر برانگیزی، سپاه کفر بُگریزد
 توگر از جای برخیزی، نشیند فتنه و غوغا
 بیا ای کشتی رحمت، که دریا گشت طوفانی
 چو کشتیان توئی، ما را چه غم از جنبش دریا
 خوش آن روزی که برخیزد، ز کعبه بانگ جاء الحق
 خوش آن روزی که برگردد، حجاب از چهره زیبا^(۱)

۱ - اشعار از شاعر محترم: مرحوم دکتر قاسم رسا «ره».

(۱)

﴿ میلاذ سعادت بخش ﴾

مورخین و محدثین بسیاری در کتاب‌های خود آورده‌اند:
حکیمه دختر امام محمد جواد و عمه امام حسن عسکری علیه السلام
حکایت کند:

روزی منزل حضرت ابو محمد، امام حسن عسکری علیه السلام بودم، چون
خورشید غروب کرد، از جای برخاستم تا به منزل خودمان بروم.
امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه! امشب را در منزل ما باش،
در این شب نوزادی کریم و عزیز به دنیا می‌آید، نوزادی که خداوند
زمین را به وسیله او حیات می‌بخشد، او حجّت خداوند متعال خواهد
بود.

چون نگاهی به مادرش نرجس کردم، آثار حمل در او ندیدم؛
وقتی موضوع را برای امام حسن عسکری علیه السلام اظهار داشتم، حضرت
فرمود: نزدیک طلوع فجر وعده الهی، عملی خواهد شد و سپس
افزود: داستان حمل و زایمان او همانند حضرت موسی علیه السلام مخفی و
ناگهانی است.

آن روز را روزه بودم، بعد از نماز مغرب و عشاء در منزل حضرت
افطار کردم و در رختخواب دراز کشیدم، نیمه شب برای نماز شب

برخاستم، نرجس نیز بلند شد و نماز شب خواند، حضرت مرا صدا کرد و فرمود: ای عمّه! مشیت الهی نزدیک است.

بعد از آن مشغول قرائت قرآن گشتم، ناگهان نرجس ناله‌ای کرد، سریع نزد او رفتم، و مآلفه‌ای - روانداز - روی آن مخدره انداختم و پس از ساعتی کوتاه صدائی شنیدم، همین که مآلفه را کنار زدم، چشمم افتاد به نوزادی که در حال سجده بود.

او را در بغل گرفتم، بسیار تمیز و خوشبو بود، در همین بین امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: ای عمّه! فرزندم را بیاور.

هنگامی که نوزاد خود را در برگرفت، اظهار داشت: ای عزیزم! سخن بگو. نوزاد لب به سخن گشود و با زبان فصیح گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً رسول الله»، سپس نام یازده امام را یکی پس از دیگری بر زبان آورد و بر آن ها صلوات و تحیت فرستاد.

چون صبح شد خدمت امام حسن عسکری علیه السلام آمدم تا نوزاد را بار دیگر بنگرم ولی او را نیافتم، گفتم: ای مولای من! نوزاد عزیز کجاست؟

فرمود: همان طور که حضرت موسی علیه السلام به ودیعه رفت، نوزاد ما هم به ودیعه رفته است.

و چون روز هفتم شد و بر آن حضرت وارد شدم، فرمود: ای عمّه! نوزادم را بیاور، وقتی به اتاق درونی رفتم، نوزاد را مشاهده کردم و او را در بغل گرفته و بوسیدم.

همین که او را نزد پدر بزرگوارش آوردم، همانند روز اولی که به دنیا آمده بود، شهادتین را گفت، پس از آن امام عسکری علیه السلام زبان مبارک خود را در دهان نوزاد عزیز قرار داد و نوزاد، زبان پدر را همانند شیر و عسل می مکید.

پس از آن، امام علیه السلام فرمود: عزیزم! سخن بگو. نوزاد مجدداً، همانند قبل پس از شهادتین، یکایک ائمه علیهم السلام را نام بُرد و صلوات و سلام بر آنها فرستاد.

سپس این آیه شریفه قرآن را تلاوت نمود:

﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَ نَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴾ (۱)

و بعد از آن، نام کتاب‌هایی را که بر حضرت شیث، ابراهیم، ادريس، نوح، هود، صالح، موسی و عیسی علیهم السلام نازل شده بود، بر زبان شیرین و مبارک خویش جاری نمود. (۲)

۱ - سورة قصص: آیه ۵.

۲ - تلخیص از: اكمال الدین: ص ۴۲۴ - ۴۲۶، غیبت طوسی: ص ۱۴۱، اعلام الوری طبرسی: ج ۲ ص ۲۱۵، اعیان الشیعة: ج ۲، ص ۴۵ - ۴۶، ینابیع المودة: ج ۳ ص ۳۰۱، عیون المعجزات: ص ۱۴۲ و مجموعه نفیسه: ص ۲۴۲ با این تفاوت که نام مبارک ۱۴ معصوم را بترتیب بیان فرموده است؛ و ما بجهت اختصار و روشن بودن، فقط به اشاره بسنده نمودیم.

(۲)

﴿ فایده عطسه و برخورد با آن ﴾

مرحوم شیخ صدوق، طوسی، طبرسی و برخی دیگر از بزرگان رضوان الله تعالی علیهم، به نقل از نسیم - خادم امام حسن عسکری علیه السلام - حکایت کنند:

هنگامی که حضرت صاحب الزمان علیه السلام از رحم مادر به دنیا آمد، انگشت سبابه خود را به سمت آسمان بلند نمود؛ و در همین لحظه ناگهان عطسه‌ای کرد و سپس اظهار داشت: «الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آله».

بعد از آن با کمال فصاحت فرمود: ظالمان و ستمگران گمان کرده‌اند که حجّت و ولیّ خداوند متعال زایل و نابود شونده است، چنانچه به ما اجازه سخن گفتن و بیان حقایق داده شود، همانا شکّ و شبهه از بین خواهد رفت.

* همچنین به نقل از نسیم خادم حکایت نمایند:

یک شب پس از آن که حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تولّد یافت، چند روزی بعد از آن به محضر مبارک آن حضرت شرفیات شدم، هنگامی که نشستم عطسه کردم.

حضرت در حقّ من دعائی کرد و فرمود: «يَرْحَمُكَ اللهُ». من از محبّت و دعای حضرت، بسیار خوشحال شدم. سپس به من فرمود: ای نسیم! آیا می خواهی تو را به نتیجه و فایده عطسه آشنا سازم؟

عرضه داشتم: بلی، فدایت گردم. حضرت در همان موقعیتی که تازه به دنیا آمده بود، فرمود: «هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» یعنی؛ عطسه انسان را از مرگ به مدّت سه روز در امان می دارد.^(۱)

۱ - آدرس هردو داستان: إكمال الدین: ص ۴۳۰، ح ۵، غیبة شیخ طوسی: ص ۲۳۲، ح ۲۰۰، و ص ۲۴۴، ح ۲۱۱، إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۱۷، الخرائج و الجرائح: ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۱۱، و ج ۲، ص ۶۹۳، ح ۷.

(۳)

﴿ جواب چهل مسئله مشکل از کودکی خردسال ﴾

سعد بن عبدالله قمی حکایت نماید:

روزی متجاوز از چهل مسئله از مسائل مشکل را طرح و تنظیم نمودم تا از سرور و مولایم حضرت ابومحمد امام حسن عسکری صلوات الله علیه پاسخ آن‌ها را دریافت نمایم.

از شهر قم به همراه بعضی دوستان حرکت کردیم، هنگامی که وارد شهر سامراء شدیم به سوی منزل آن حضرت روانه گشته؛ و پس از آن به منزل رسیدیم و اجازه ورود گرفتیم، داخل منزل رفتیم.

همین که وارد شدیم، دیدم مولایم همچون ماه شب چهارده در گوشه اتاق نشسته است و کودکی خردسال را - که چون ستاره مشتری می درخشید - روی زانوی خود نشانیده بود.

امام عسکری علیه السلام به ما اشاره نمود که جلو بیایید و در نزدیکی ما بنشینید.

پس طبق فرمان حضرت، جلو رفتیم و نشستیم و سپس مسائل خود را به طور کلی مطرح کردیم.

امام حسن عسکری صلوات الله علیه پس از شنیدن سخنان و مسائل

ما، اشاره به کودک نمود و اظهار داشت: ای فرزندم! جواب شیعیان خود را بیان کن.

پس ناگهان، آن کودک لب به سخن گشود و تمامی سؤال‌های ما را یکی پس از دیگری جواب کافی داد.

و بعضی سؤال‌ها را پیش از آن که مطرح کنیم، خود کودک مطرح می‌نمود و جواب آن را می‌داد، به طوری که همه ما مبهوت و متحیر گشتیم که این کودک خردسال چگونه در همه علوم و فنون شناخت کافی دارد و با بیان شیوا تمامی سؤال‌های ما را پاسخ داده و همه افراد را قانع می‌نماید؟!

پس از آن، امام حسن عسگری صلوات الله علیه متوجه من شد و فرمود: ای سعد بن عبدالله! برای چه از قم به این جا آمده‌ای؟
عرضه داشتم: یا ابن رسول الله! چون عشق زیارت و دیدار شما را داشتم، بدین جا آمده‌ام.

حضرت فرمود: پس بقیه سؤال‌هایی را که تهیه و تنظیم نموده بودی، چه شد؟

پاسخ دادم: آماده و موجود می‌باشد.

فرمود: از فرزندم و نور چشمم - مهدی موعود علیه السلام - آنچه می‌خواهی سؤال کن.

و من بعضی از سؤال‌های باقی مانده را مطرح کردم، از آن جمله

عرضه داشتم: یا ابن رسول الله! تأویل و تفسیر ﴿کهیص﴾ چیست؟

کودک در حالی که روی زانوی پدر نشسته بود، فرمود: این حروف، رموز و اخبار غیبی الهی است که خداوند متعال در رابطه با حضرت زکریا پیغمبر علیه السلام بیان نموده است؛ چون زکریا از خداوند متعال درخواست نمود تا اسامی خمسۀ طیبه - پنج تن آل عبا علیهم السلام - را تعلیم او نماید.

لذا جبرئیل علیه السلام نازل شد و آن اسامی مقدّس را به او تعلیم داد؛ و هر زمان حضرت زکریا علیه السلام یادی از آن اسامی: «محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام» می کرد، هر نوع مشکل و ناراحتی که داشت، حلّ و بر طرف می گردید.

اما هرگاه نام حسین علیه السلام بر زبان جاری می نمود و به یاد آن حضرت می افتاد، غم و اندوه فراوانی بر او عارض می شد؛ و افسرده خاطر می گردید.

پس روزی اظهار داشت: خداوندا! علّت چیست که هر موقع چهار نفر اوّل را یاد آور می شوم، دلم آرام می گیرد؛ و چون پنجمین نفر را یاد می کنم محزون گردیده و در چشمانم اشک حلقه می زند؟!

خداوند متعال ﴿ کهبعض ﴾ را در جواب حضرت زکریا علیه السلام برایش فرستاد؛ و تمامی اخبار و جریاناتی را که بر امام حسین علیه السلام مقدر شده بود، به وسیله آن رموز کلی برایش بیان نمود:

«کاف» یعنی؛ کربلاء و حوادث آن، «هائ» اشاره به هلاکت و شهادت اهل بیت سلام الله علیهم، «یاء» یزید - بن معاویه است - که

بر امام حسین علیه السلام ظلم نمود، «عین» اشاره به عطش و تشنگی آن حضرت و اصحاب می باشد؛ و «صاد» صبر و استقامت آن حضرت خواهد بود. سپس آن کودک در ادامه فرمایشات گهربارش فرمود: چون حضرت زکریا علیه السلام این خبر را - از فرشته الهی یعنی؛ جبرئیل امین علیه السلام - دریافت نمود، وارد مسجد شد و به مدت چند روز در مسجد ماند و مرتب گریه و زاری می کرد.

و در پایان افزود: حضرت یحیی پیغمبر و امام حسین علیه السلام هر دو به مدت شش ماه در رحم مادر بودند؛ و در شش ماهگی به دنیا آمدند. (۱)

۱- اكمال الدین: ص ۴۵۲، ح ۲۱، اإرشادالقلوب دیلمی: ص ۴۲۲، احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۲۳،

ح ۳۴۱، بحارالأنوار: ج ۵۲، ص ۷۸ - ۸۸، داستان بسیار طولانی است، به قطعاتی از آن بسنده گردید.

(۴)

﴿ تشخیص حرام و حلال برای کودکی خردسال ﴾

احمد بن اسحاق یکی از اصحاب و کسانی بود که وجوهات شیعیان را جمع آوری می‌کرد و خدمت امام حسن عسکری علیه السلام تقدیم می‌نمود، او حکایت نماید:

روزی به قصد تحویل مقدار قابل توجهی وجوهات شرعیّه به همراه تعدادی سؤال در مسائل مختلف، به محضر مبارک امام حسن عسکری علیه السلام عازم سامراء شدم.

و چون وارد شهر سامراء گشتم، به سمت منزل آن حضرت حرکت نمودم، هنگامی که به منزل رسیدم، اذن دخول طلبیده و وارد شدم، چشمم به کودکی خردسال افتاد که بر زانوهای حضرت نشسته و بسیار خوش سیما و نورانی بود.

همین که کیسه‌های پول و جواهرات را خدمت حضرت نهادم، امام علیه السلام نگاهی به کودک نمود و فرمود: ای پسر! این اموال از شیعیان و دوستان تو می‌باشد، آنها را باز کن و تحویل بگیر.

ناگهان کودک اظهار داشت: ای پدر! و ای سرورم! آیا جایز است که دست به سوی اموالی دراز کنم که آغشته به حرام است؟!

سپس امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به احمد بن اسحاق کرد و فرمود: آنچه در کیسه‌ها می‌باشد، بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آن‌ها را از یکدیگر جدا نماید.

چون یکی از کیسه‌ها را خدمت حضرت نهادم، کودک فرمود: این مال فلان شخص است که در فلان محله شهر قم سکونت دارد و مقدار آن ۷۲ دینار است که بابت فروش باغ ارثیه پدرش و نیز فروش هفت عدد پیراهن و کرایه مغازه‌هایش می‌باشد.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: عزیزم! صحیح گفتی، اکنون بگو کدام حرام است؟

کودک اظهار داشت: در این کیسه یک دینار مشکوک، از اهالی شهر ری مربوط به فلان تاریخ می‌باشد که مغشوش می‌باشد.

بعد از آن اشاره به یکی دیگر از کیسه‌ها نمود و فرمود: و اما صاحب این کیسه فلانی است که در فلان شهر مقدار یک من و یک چارک نخ، جهت بافتن پارچه به فلان بافنده معروف داد و چون مدتی طولانی سپری شد، نخ‌ها را دزد به سرقت برد.

و صاحب نخ‌ها نساج را تکذیب و جریمه کرده و به جای آن، یک من و نیم غرامت گرفت.

پس یک دینار با تگه‌ای پارچه در این کیسه از چنین راهی به دست آمده است که حرام می‌باشد.

سپس کودک به سومین کیسه اشاره نمود و اظهار داشت: آنچه

درون آن است، مال فلان شخص است که در فلان محله قم زندگی می‌کند و مقدار هفتاد دینار می‌باشد که نباید دست زده شود.

امام حسن عسگری علیه السلام سؤال نمود: چرا؟

فرزند جواب داد: چون این‌ها بابت فروش گندم‌هایی است که مالک با کشاورز اختلاف داشتند و مالک سهم کشاورز را کمتر از حقش داد.

پدر فرمود: بلی، صحیح است.

پس از آن کودک فرمود: ای احمد بن اسحاق! این اموال را به صاحبانش برگردان، ما نیازی به آن‌ها نداریم.

و اکنون کیسه آن پیرزن را بیاور.

احمد گفت: من به طور کلی آن کیسه را فراموش کرده بودم...^(۱)

* آری برای امام معصوم، چون از طرف خداوند متعال منصوب است، سنّ و سال، موقعیت مطرح نیست؛ بلکه هر زمان هر چه اراده نماید حاصل خواهد شد و به همه امور آگاه می‌گردد.

پس مواظب اعمال و گفتار خود در تمام حالات باشیم که امام زمان، روحی له الفداء و سلام الله علیه غافل نخواهد بود.

۱ - احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۲۴ - ۵۲۷، منابع المودّة: ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۵.

(۵)

﴿ ظهور از پشت پرده با خصوصیات ﴾

یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به نام یعقوب بن منقوش حکایت کند:

روزی به منزل حضرت ابومحمّد، امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم، حضرت داخل ایوان جلوی یکی از اتاق‌ها نشسته بود و سمت راست امام علیه السلام پرده‌ای جلوی درب اتاق آویزان بود، خدمت حضرت عرض کردم: یا ابن رسول الله! امام و صاحب ولایت بعد از شما کیست؟

فرمود: پرده را بالا بزن، تا متوجه شوی!

همین که پرده را بالا زدم، کودکی پنج ساله را در قیافه نوجوانی ده ساله با این خصوصیات نمایان شد:

چهره سفید و نورانی، ابروانی کشیده و با فاصله، کفان دست درشت و غلیظ، شانهای بزرگ و با فاصله و در سمت راست گونه‌اش خالی سیاه وجود داشت.

سپس آن کودک، با وقار و هیبتی مخصوص به طرف پدر

بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام جلو آمد؛ و در بغل پدر، روی زانویش نشست.

بعد از آن امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ای یعقوب! این کودک بعد از من امام و صاحب شماها خواهد بود.

همین که سخن پدر تمام شد و او را معرفی نمود، از روی زانوی پدر برخاست و پدرش اظهار نمود: ای عزیزم! ای پسر! در حال حاضر داخل برو - و مخفی باش - تا آن هنگامی که خداوند متعال اراده کند.

و چون آن حجّت خدا وارد اندرون منزل شد، امام حسن عسکری علیه السلام مرا مخاطب قرار داد و فرمود: ای یعقوب! اکنون بلند شو و داخل اتاق را خوب نظر کن که چه می بینی؟

پس طبق فرمان امام علیه السلام بلند شدم و هر چه به اطراف نگاه کردم کسی را نیافتم؛ و متوجه شدم که حجّت خدا از چشم‌ها ناپدید و غایب شده است. (۱)

۱ - إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۵۰، إكمال الدین: ص ۴۰۷، ح ۲.

(۶)

﴿ او را نخواهید دید ﴾

مرحوم شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه به نقل از علی بن بلال بغدادی - که یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام می باشد - حکایت کند:

روزی به همراه عده‌ای از علماء و بزرگان حضور مبارک امام حسن عسکری علیه السلام رسیدیم تا آن که از آن حضرت درباره امام و حجّت بعد از او جويا شویم.

همین که وارد مجلس حضرت شدیم، مشاهده کردیم که بیش از چهل نفر در منزل آن حضرت، اجتماع نموده‌اند.

عثمان بن سعید عمری حرکت کرد و ایستاد، سپس اظهار داشت: یا بن رسول الله! می خواهم از چیزی سؤال نمایم که شما خود نسبت به آن آگاه هستی.

حضرت فرمود: فعلاً بنشین.

بعد از آن، امام حسن عسکری علیه السلام با حالت غضب حرکت نمود و خواست که از مجلس خارج شود، فرمود: کسی بیرون نرود تا من برگردم.

چون لحظاتی گذشت، حضرت مراجعت نمود و با صدائی بلند

فرمود: ای عثمان بن سعید!

و عثمان بن سعید با شنیدن سخن حضرت، از جای خود برخاست و سر پا ایستاد.

امام علیه السلام اظهار داشت: آیا مایل هستی که شما را به آنچه می‌خواهید، خبر بدهم؟

همگان گفتند: آری، یا ابن رسول الله!

امام علیه السلام فرمود: آمده‌اید تا از خلیفه و حجّت خداوند متعال، بعد از من سؤال نمائید؟!

تمام افراد گفتند: بلی، ما برای همین موضوع آمده‌ایم.

در همین اثناء، کودکی همانند پاره‌ای از ماه و شبیه‌ترین افراد به امام حسن عسکری علیه السلام ظاهر گشت.

سپس امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: این کودک، امام شما پس از من خواهد بود و او خلیفه و جانشین من می‌باشد، او را تابع و پیرو باشید؛ و از یکدیگر متفرّق نشوید که هلاک می‌گردید.

و سپس افزود: از این پس دیگر او را نخواهید دید، مگر آن که وقتش فرا برسد. (۱)

(۷)

﴿ فقط حجّت بر حجّت نماز می خواند ﴾

مرحوم شیخ صدوق، راوندی و برخی دیگر از بزرگان، به نقل از ابوالأدیان حکایت کنند:

چون امام حسن عسکری علیه السلام مسموم و شهید شد، جعفر برادر امام عسکری آمد تا بر جنازه اش نماز بخواند، ناگهان کودکی با چهره ای گندمگون و موهائی کوتاه وارد شد و عبای جعفر را گرفت و او را کنار کشید و به او فرمود: ای عمو! کنار برو، من سزاوارترم که بر پدرم نماز بخوانم.

پس جعفر با چهره ای درهم و خشمناک کنار رفت و آن کودک معصوم جلو آمد و بر جنازه مقدّس پدر نماز خواند و سپس حضرت را کنار پدر بزرگوارش - امام هادی علیه السلام - دفن کردند.

بعد از آن، کودک رو به من کرد و فرمود: ای ابوالأدیان بصری! جواب نامه ها را بیاور.

ابوالأدیان گوید: من با خود گفتم: تاکنون این دوّمین علامت از نشانه های امامت؛ و دو نشانه دیگر باقی مانده است.

پس از آن، نزد جعفر رفتم، دیدم که شخصی به او گفت: این

کودک چه کسی بود که بر جنازه امام علیه السلام نماز خواند و به شما جسارت کرد؟

جعفر جواب داد: والله! تا کنون او را ندیده بودم و نمی شناسم.
در همین بین که مشغول صحبت بودیم، چند نفر از شهر قم آمدند و احوال امام حسن عسکری علیه السلام را جویا شدند و چون از وفات و شهادت حضرت آگاه گشتند، سؤال کردند: امام و حجّت خدا، بعد از او کیست؟

بعضی افراد اشاره به جعفر کردند، پس مردم قم به جعفر سلام کرده و تسلیت گفتند و اظهار داشتند: تعدادی نامه و مقداری وجوهات نزد ما است، چنانچه نشانی و مقدار آن پولها را بگوئی، تحویل شما خواهیم داد.

جعفر با عصبانیت از جای خویش برخاست و لباسهای خویش را تکان داد و گفت: مردم از ما علم غیب می خواهند، مگر ما علم غیب می دانیم؟!

و سپس از مجلس خارج گردید.

بعد از این جریان خادمی وارد شد و اظهار داشت: نامه های شما از فلانی و فلانی و فلانی است و نیز داخل کیسه همیانی که همراه آورده اید، مقدار هزار و ده دینار وجوه شرعیّه می باشد.

پس مردمی که از قم آمده بودند، نامه ها و پول هائی را که همراه آورده بودند، همه را تحویل خادم دادند.

ابوالأدیان گوید: آنچه امام حسن عسگری علیه السلام نسبت به فرزندش امام زمان - عجل الله فرجه الشریف - بیان نموده بود تحقق یافت؛ و دیگر شک و شبهه‌ای باقی نماند.

پس از آن جعفر به دربار معتمد عباسی رفت و قضیه حضور حضرت مهدی - فرزند امام حسن عسگری علیه السلام - و چگونگی اقامه نماز، همچنین جریان مردم قم و وجوهات شرعیّه را برای او مطرح کرد و متوکل دستور داد تا آن کودک را که خلیفه بر حق خداوند است دست‌گیر نمایند.

پس تمام مأمورین و جاسوسان برای دست‌گیری حجّت خدا، بسیج شدند؛ ولیکن به هر حيله و وسیله‌ای متوسّل گشتند، آن حضرت را نیافتند.^(۱)

۱ - الخرایج والجرایح: ج ۳، ص ۱۱۰۲، ذیل ح ۲۳، إكمال الدین: ص ۴۷۶ ینایع المودّة: ج ۳،

ص ۳۲۶، با تفاوت در الفاظ.

(۸)

﴿ مشورت با آینده‌نگر آگاه ﴾

مرحوم علامه مجلسی به نقل از مرحوم شیخ بهائی رضوان الله علیهما استخاره‌ای را نقل کرده است و آن را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با این کیفیت نسبت داده است:

تسبیح را به دست گرفته و سه مرتبه گوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد» و سپس مقداری از دانه‌های تسبیح را در مشت گرفته و پس از آن دانه‌ها را - دو عدد، دو عدد - رها نماید، پس اگر یک دانه باقی ماند خوب است و آن کار مورد نظر خویش را اقدام نماید، ولی چنانچه دو عدد باقی بماند، خوب نیست و نباید اقدام کند.^(۱)

* همچنین مرحوم صاحب جواهر استخاره‌ای را به حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف با این کیفیت نسبت داده است: پس از آن که تسبیح را در دست گرفتی، باید مراد خویش را نیت کنی و سه مرتبه صلوات بر محمد و آلش علیهم السلام بفرستی و سپس مقداری از دانه‌های تسبیح را در مشت بگیری.

بعد از آن، دانه‌ها را - هشت تا، هشت تا - رها کرده، در نهایت اگر

۱ - مستدرک الوسائل: ج ۶، ص ۲۶۵، ح ۵، بحار الأنوار: ج ۹۱، ص ۲۵۰، ح ۴.

یکی باقی بماند، متوسط است و اقدام بر انجام آن کار بهتر می‌باشد، ولی اگر دو عدد بماند، بهتر است که آن کار ترک شود.

اما اگر سه عدد باقی مانده باشد، انجام آن کار و ترک آن یکی است و فرقی ندارد.

و چنانچه چهار عدد باقی بماند، خیلی بد است و نباید به آن کار اقدام نماید.

اگر پنج عدد باقی بماند، خوب است ولی زحمت و سختی دارد. اگر شش عدد باقی بماند، خیلی خوب است و باید در آن کار تعجیل نماید.

و اگر هفت عدد باقی بماند، مانند آن موردی است که پنج عدد باقی مانده باشد.

ولی اگر هیچ باقی نماند، بسیار بسیار بد است و ضرر و زیان زیادی را در بردارد.^(۱)

۱ - مستدرک الوسائل: ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۲، جواهرالکلام: ج ۱۲، ص ۱۷۲.

(۹)

﴿ علائم و نشانه‌های قبل از ظهور نور ﴾

مرحوم شیخ صدوق و برخی دیگر از بزرگان آورده‌اند:
 روزی حضرت امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام در جمع بسیاری از
 مردم سخنرانی می‌نمود؛ در ضمن فرمایشات خود، خطاب به مردم
 کرد و اظهار داشت: (۱)

ای مردم! پیش از آن که من از بین شما رحلت نمایم و مرا از دست
 دهید، آنچه می‌خواهید سؤال کنید و جويا بشوید تا از علوم من
 بهره‌مند گردید.

از بین افراد جمعیت، شخصی به نام صعصعه بن صوحان از جای
 برخاست و سؤال کرد: یا امیرالمؤمنین! دَجَّال چگونه و در چه زمانی
 خارج می‌شود؟

امام علی علیه السلام در جواب فرمود: پیش از خروج دَجَّال، علائم و
 نشانه‌هایی است که یکی پس از دیگری ظاهر و واقع خواهد شد، از
 آن جمله:

مردم نسبت به نماز بی‌توجه شده و کارهای دنیا و امور شخصی را

۱ - حدیث طولانی بود، فرمایشات حضرت گلچین گردیده است.

در اولویت قرار می‌دهند، نسبت به امانت بی‌اعتنا گشته و سهل‌انگاری می‌کنند، دروغ و دروغ‌گوئی را حلال و توجیه می‌نمایند؛ و نیز رباخواری شایع و عادی گردد.

مردم ساختمان‌ها را محکم و مجلل بنا می‌کنند، دین و احکام شریعت را با دنیا و اموال آن مبادله می‌نمایند، افراد سفیه و بی‌خرد برای اجراء امور جامعه برگزیده می‌شوند، زنان در مسائل مختلف مورد مشورت قرار می‌گیرند، دید و بازدید خویشاوندان با یکدیگر قطع می‌گردد.

و پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی انجام می‌پذیرد؛ و خونریزی، عادی و ساده گردد، حلم و بردباری مدموم و به ظلم و تجاوز فخر و مباهات شود.

رؤساء و حکماء، اشخاصی فاجر و فاسق باشند، کارگزاران و گردانندگان امور جامعه، افرادی ظالم و بی‌باک خواهند بود؛ و عارفان عالم، نسبت به دین خائن باشند؛ قاریان، قرآن را وسیلهٔ معاش و خودنمایی قرار دهند، شهادت و گواه ناحق رایج گردد، تهمت و ارتکاب گناه عادی و ساده باشد.

قرآن را - فقط - زیبا بنویسند و زیبا بخوانند (بدون آن که توجهی به معنا و محتوای آن داشته باشند؛ و نیز بدون آن که در امور زندگی و موقعیت کاری خود، مورد عمل قرار دهند)، مساجد و عبادتگاه‌ها مزین و مجلل - ولی بی‌محتوا - باشد، دل‌ها از یکدیگر جدا و بلکه

مخالف همدیگر کردند، عهد و وفا اهمیتی نداشته؛ و زن‌ها با مردان در امور اقتصادی و تجاری مشارکت نمایند.

افراد فاجر و فاسد - بجهت ایمنی از شرشان - مورد احترام قرار می‌گیرند، دروغ‌گویان تصدیق و تأیید می‌شوند، هرکس نسبت به دیگری بدبین و مشکوک می‌باشد؛ و به همدیگر جسارت و توهین روا داشته و انجام می‌دهند، زنان سوار اسب - و موتور، دوچرخه و... - می‌شوند؛ و همچنین از جهت قیافه، زنان و مردان شبیه یکدیگر می‌گردند.

برای هر قضیه و جریانی شهادت دهند، بدون آن که در جریان امر و یا از واقعیت خبر داشته باشند و یا بدانند که حق با کیست.

مردم احکام و مسائل دین را می‌آموزند نه برای دین، بلکه برای دنیا و معاش، آن‌ها دنیا و متعلقات آن را با ارزش و عظیم بدانند؛ ولی آخرت را بی‌ارزش و هیچ محسوب نمایند.

گرگان صفتان، لباس میش بر تن کنند؛ ولی دل‌ها و درون آن‌ها متعفن و فاسد باشد.

سپس حضرت امیرالمؤمنین علی صلوات الله علیه افزود:

در یک چنین زمانی هرکس و هر مؤمنی به دنبال پناهگاهی می‌گردد؛ در آن هنگام دجال ظهور و خروج می‌کند، در حالی که چشم راست ندارد و چشم چپش در پیشانی او همچون ستاره صبح می‌درخشد، در پیشانی‌ش نقش کافر می‌باشد.

او سوار بر الاغی سفید رنگ خواهد بود و به سوی شامات حرکت می‌کند و در محلی به نام بیداء - که بین مکه معظمه و مدینه منوره واقع شده است - درون زمین فرو می‌رود؛ و تمام تابعین و پیروان او حرام‌زاده هستند.

سپس امام زمان علیه السلام ظهور و قیام می‌نماید؛ و نیز حضرت عیسی مسیح علیه السلام حضور می‌یابد و پشت سر او نماز می‌خواند. ^(۱)

* همچنین مرحوم شیخ مفید آورده است:

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیش از آن که حضرت قائم - آل محمد علیهم السلام - قیام و ظهور نماید؛ بجهت زیادی معصیت و گناه، مردم به وسیله آتش و نور سرخی که در آسمان نمایان می‌شود مورد زجر و سختی قرار می‌گیرند، در بغداد و بصره خسف و نقصان به وجود آید، در بصره خونریزی شود و ساختمان‌هایش خراب و اهل آن فانی گردند، در عراق خوف و وحشتی حاکم شود که راه فرار و نجاتی بر آنها نباشد. ^(۲)

۱ - الخرائج و الجرایح: ج ۳، ص ۱۳۳ - ۱۳۷، ح ۵۳، اکمال الدین: ص ۵۲۵، ح ۱.

۲ - ارشاد: ج ۲، ص ۳۷۸، إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۸۴، س ۱۳.

(۱۰)

﴿ حوادث ظهور و خروج نور ﴾

حضرت باقرالعلوم علیه السلام به بعضی از دوستان خود فرمود: دست از پا خطا نکنید و مشغول انجام وظایف خود باشید تا زمانی که علائم و نشانه‌هایی که برای مطرح می‌کنم آشکار شود.^(۱)

قبل از ظهور - امام زمان علیه السلام - بین مردم یک درگیری وسیعی انجام خواهد شد و جمع بسیاری کشته می‌شوند، بعد از آن شخصی به عنوان سفیانی، لشکری را متشکل از هفتاد هزار مرد جنگی و مسلح، به سوی کوفه بسیج می‌کند و در نتیجه آن خونریزی و غارت اموال و نفوس بسیاری رخ می‌دهد.

در همین بین، لشکری از سمت خراسان با در دست داشتن پرچم‌های مخصوصی حرکت می‌کنند که در بین آنها تعدادی از یاران امام زمان علیه السلام نیز وجود دارد.

سپس لشکر خراسانی با لشکر سفیانی در بین شهر حیره و کوفه با

۱ - علائم و نشانه‌هایی از غیبت و ظهور منجی عالم بشریت، حضرت بقیة الله الأعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، عجل الله فی فرجه الشریف - می‌باشد که هر کدام نیاز به توضیح و تشریح دارد که باید به کتابهای مربوطه ارجاع شود. ضمناً حدیث بسیار طولانی بود که به قطعه‌هایی از ترجمه آن اکتفا شد.

یکدیگر درگیر می‌شوند.

سپس سفیان متوجه خواهد شد که مهدی موعود عجله الله فرجه ظهور کرده است و آن حضرت در حال حرکت به سوی مکه می‌باشد، به همین جهت گروه عظیمی را جهت تعقیب آن حضرت روانه می‌کند. پس چون لشکر سفیانی هنگامی که در محلی به نام بیداء - بین مکه و مدینه - برسند و فرود آیند، ندائی از آسمان به زمین خطاب می‌شود که: تمامی نیروهای سفیانی را به جز سه نفر در خود فرو ببر، که اثری از آنها باقی نباشد.

و اما آن سه نفر را خداوند متعال، صورت‌هایشان را به پشت بر می‌گرداند و به صورت و قیافه سگ در می‌آیند و مسخ می‌شوند. سپس در یک چنین زمانی حضرت ولی عصر، امام زمان عجله الله فرجه در کنار کعبه الهی قرار گرفته و بر دیوار آن تکیه زده و به اهل زمین خطاب می‌نماید و می‌فرماید:

ای مردم! ما برای یاری دین خدا آمده‌ایم و هرکس مایل باشد، می‌تواند به گروه ما پیوندد.

و به دنباله آن می‌افزاید: ما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله هستیم؛ و از هر فردی نسبت به خداوند متعال و رسولش نزدیک‌تر و اولی‌تر می‌باشیم، پس هرکس بخواهد که نسبت به حضرت آدم، نوح و ابراهیم؛ و همچنین نسبت به تمامی پیامبران الهی، حتی حضرت محمد

صلوات الله عليهم با من مذاکره و احتجاج کند، آماده‌ام.
 پس از آن، می‌فرماید: آیا خداوند متعال در قرآن نفرموده است:
﴿ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ (۱)

من تداوم بخش و خلف آدم و نوح هستم، من برگزیده ابراهیم و محمد صلوات الله عليهم هستم، هر که می‌خواهد پیرامون قرآن و یا پیرامون سنت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با من احتجاج و مناظره نماید، آماده‌ام؛ چون از هر کس دیگری به آنها نزدیک‌تر و به آنها آشناتر هستم.

بعد از آن، در ادامه فرمایشات خود می‌افزاید: آن‌هایی که کلام مرا شنیدند و متوجه شدند، خداوند آن‌ها را هدایت نماید.
 ضمناً شنوندگان حاضر، این مطالب و مسایل را به دیگران که غایب هستند گزارش دهند ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: در چنین موقعیتی خداوند متعال اصحاب و یاران حضرت حجّت علیه السلام را که تعداد آنها سیصد و سیزده نفر می‌باشند، جمعشان می‌نماید، همان طوری که در قرآن چنین فرموده است:

﴿ اَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ (۱)

سپس این تعداد افراد با امام زمان علیه السلام بیعت می کنند؛ و عهد و میثاق حضرت رسول صلی الله علیه و آله نزد اوست که از پیامبران یکی از پس دیگری به ارث نهاده شده است.

حضرت باقر العلوم علیه السلام در پایان افزود: امام زمان علیه السلام از فرزندان حسین بن علی علیه السلام می باشد که خداوند متعال قضیة قیام آن حضرت را در یک شب تنظیم و اصلاح می نماید و نام مبارک و گرامی او همانند نام جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود. (۲)

۱ - سورة بقره: آية ۱۴۸.

۲ - اختصاص شیخ مفید: ص ۲۵۵ - ۲۵۷، بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۳۰۵، ح ۷۸.

(۱۱)

﴿ قانون پیاده‌رو و سواره ﴾

بنابر فرمایش امام موسی کاظم علیه السلام که فرمود:
 هنگامی که حضرت صاحب امر (عجل الله تعالی فرجه الشریف
 و سلام الله علیه) ظهور نماید، قانونی را برای عبور و مرور از خیابان‌ها
 و پیاده‌روها تعیین و به مرحلهٔ اجراء در می‌آورد، که به شرح ذیل
 می‌باشد:

کلیهٔ سواره‌ها - موتوری، ماشین، دوچرخه، الاغ و... - باید از
 خیابان حرکت و عبور نمایند.

و کلیهٔ پیاده‌ها باید از پیاده‌رو استفاده و رفت و آمد نمایند.

* تبصره:

هر سواره‌ای که از پیاده‌رو استفاده و حرکت نماید، چنانچه
 برخوردی با عابر کند و آسیبی به او برساند، مقصر و ضامن است
 و باید خسارت او را پرداخت کند.

هر پیاده و عابری که از خیابان استفاده و رفت و آمد نماید،
 هرگونه آسیبی توسط سواره‌ای به او برسد ضمانتی برایش نیست
 و خسارت بر عهدهٔ خودش می‌باشد. (۱)

(۱۲)

﴿ همچون شمایل جدش ظاهر می شود ﴾

روزی حضرت صادق آل محمد صلوات الله علیهم در جمع بعضی از شاگردان خود پیرامون شروع ظهور قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف، چنین اظهار نمود:

به خدا سوگند! او را می بینم که در حال ورود به مکه معظمه می باشد، در حالتی که پیراهن و عبای رسول الله ﷺ را بر تن؛ و عمامه آن حضرت را بر سر و کفش های وصله دارش را در پای خود کرده؛ و نیز چوب دستی او را در دست گرفته و به عنوان یک چوپان به همراه چند گوسفند می آید تا داخل مکه گردد....

با این که صدها سال از عمر مبارکش سپری شده، اما با شکل و قیافه جوانی شاداب ظاهر می گردد و هیچ اثر پیری در او دیده نمی شود؛ و به تنهایی وارد مسجد الحرام و به کعبه پناهنده می گردد.

و چون شب فرا رسد و مردم به خواب بروند، جبرئیل به همراه میکائیل و تعدادی از دیگر ملائکه نازل می شوند و نزد حضرت ولی عصر، امام زمان صلوات الله علیه می آیند.

در این هنگام، جبرئیل علیه السلام به صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گوید: ای سرور من! گفتار تو مقبول و دستور تو نافذ خواهد بود.

پس از آن، امام زمان علیه السلام دستی بر صورت خود می‌کشد و اظهار می‌دارد: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که وعده‌اش فرا رسیده و ما را وارث زمین گردانیده است و جایگاه ما بهشت خواهد بود، خداوند بهترین پاداش را برای عمل‌کنندگان مخلص قرار داده است.

بعد از آن، حضرت بین رکن و مقام می‌ایستد و با فریادی رعد آسا ندا می‌دهد: ای کسانی که خدا شما را برای یاری من ذخیره داشته است، به پاخیزید و به سوی من بشتابید و مرا یاری کنید.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خود افزود: صدای امام زمان به گوش همگان در شرق و غرب عالم خواهد رسید.

و چون این صدا به گوش همه برسد، تمامی اصحاب و یاران آن حضرت کمتر از یک چشم بر هم زدن گرد او جمع خواهند شد، که تعداد آنها سیصد و سیزده نفر، به تعداد اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر خواهد بود.

سپس تمامی افراد با حضرت بیعت خواهند کرد؛ و اول کسی که دست امام زمان را می‌گیرد و بیعت می‌کند، جبرئیل امین علیه السلام است و پس از آن سایر ملائکه که بر زمین فرود آمده‌اند؛ و سپس جنّیانی که در رکاب آن حضرت باید باشند و بعد از آنها مؤمنینی که کنار آن حضرت اجتماع کرده‌اند، بیعت می‌نمایند.^(۱)

(۱۳)

﴿ ظهور نور در مدینه و اعدام دو جنایت‌کار ﴾

یکی از اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام ضمن پرسش‌های متعددی از آن حضرت سؤال کرد:

وقتی امام زمان علیه السلام در شهر کوفه برنامه خود را اجراء نماید، به کدام شهر رهسپار خواهد شد؟

فرمود: به مدینه جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مراجعت می‌نماید؛ و چون حضرت - ولّی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - وارد مدینه منوره گردد حوادثی عجیب رخ می‌دهد؛ مؤمنین در شادکامی و سرور قرار خواهند گرفت و کافران در ذلت و بدبختی خواهند بود.

سپس حضرت وارد مسجدالنّبی می‌شود و کنار قبر جدّش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌آید و با صدای بلند می‌گوید: ای جمع خلائق! آیا این قبر جدّم رسول الله است؟

خواهند گفت: آری، ای مهدی آل محمّد!

پس از آن اظهار می‌فرماید: چه کسانی کنار قبر او قرار گرفته‌اند؟ گویند: دو هم‌نشین او، ابوبکر و عمر کنار آن حضرت دفن شده‌اند.

امام زمان (عج) با این که از واقعیت امر آگاه است، مطرح می‌نماید: چرا از بین تمام امت فقط این دو نفر اینجا دفن شده‌اند؟

آیا احتمال نمی‌دهید که کسانی دیگر دفن شده باشند؟
 در جواب گویند: غیر از آن دو نفر کسی دیگر کنار حضرت رسول
 دفن نشده است، چون که آن دو خلیفه آن حضرت بوده‌اند.
 بعد از آن می‌فرماید: آیا کسی از شماها در این موضوع - و دفن
 آن دو نفر - شک و شبهه‌ای ندارد؟
 همه خواهند گفت: خیر.

و چون مدت سه روز از این جریان بگذرد، دستور دهد تا نبش قبر
 کنند و جسد آن دو نفر را از قبر درآورند، بدون آن که تغییری در
 شکل و قیافه آن‌ها پدید آمده باشد؛ و سپس دستور می‌دهد: جسد هر
 دو نفرشان را بر درختی خشک آویزان کنند؛ و آن درخت سبز و
 دارای میوه گردد و کسانی که ولایت و حکومت آن‌ها را قبول
 داشته‌اند، گویند: این دو نفر، چه افراد شریفی بوده‌اند؛ اکنون حق بر
 همگان آشکار شد و ما پیروز گشتیم.

بعد از آن ندائی از طرف حضرت مهدی (عج) به گوش همگان
 می‌رسد: دو ستداران این دو نفر هر که هست، سر جای خود بایستد و
 آن‌هایی که مخالف این دو می‌باشند، در سمتی دیگر قرار گیرند.
 چون جمعیت از یکدیگر جدا شوند، به دستور آن حضرت، باد
 سیاه و وحشتناکی می‌وزد و آن دو جسد را با تمام علاقه‌مندانشان به
 همراه درخت می‌سوزاند.

سپس حضرت دستور می‌دهد تا آن دو جسد سوخته شده را فرود
 آورند و به اذن و اراده خداوند زنده می‌شوند و اجتماعی عظیم از

اقشار مختلف گرد هم آیند.

بعد از آن، حضرت ضمن خطبه‌ای مفصل تمام جنایت‌ها و ظلم‌هایی که از حضرت آدم به بعد شده، برای جمعیت بازگو می‌فرماید تا آن موقعی که به خانه حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها و امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام حمله کردند و در خانه را آتش زدند و محسن آن حضرت را بین در و دیوار سقط کردند.

و جریان کربلاء و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و نیز اسارت اهل بیت‌ش را، همچنین به شهادت رسیدن تمامی ائمه و ذراری آنها و تمام ظلم و جنایاتی که بر علیه مؤمنین انجام گرفته است و نیز عمل‌های زنا که در جامعه واقع شده - تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام - به تمامی آنها اشاره می‌نماید.

و چون همه ظلم‌ها و جنایت‌ها را برشمارد، با دلیل و برهان بر علیه آن دو نفر اثبات می‌نماید و آنها نیز می‌پذیرند و اعتراف می‌کنند. پس از آن که اعتراف کردند، هر دو نفرشان را مؤاخذه و قصاص می‌کند و دستور می‌دهد: آنها را دار بزنند و در آن هنگام آتشی از درون زمین خارج می‌گردد و آنها را می‌سوزاند، سپس باد شدیدی می‌وزد و خاکستر آنها را متلاشی و پراکنده می‌کند.^(۱)

۱ - مختصر بصائر: ص ۱۸۶ - ۱۸۸، هداية الكبرى حضيفي: ص ۴۰۱، س ۱، بحار الأنوار: ج ۵۳،

(۱۴)

﴿ تهیة آذوقه لشکر امام زمان (عج) ﴾

مرحوم شیخ صدوق، کلینی و برخی دیگر از بزرگان آورده‌اند: حضرت صادق آل محمد از قول پدرش، حضرت باقرالعلوم علیه السلام حکایت فرماید: هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نماید و بخواهد قیام نماید، قیام خود را از مکه معظمه شروع نموده و ابتداء به سمت شهر کوفه حرکت می‌کند.

و قبل از آن که به همراه لشکر و یاران خویش حرکت نماید، منادی حضرت در بین جمعیت، نداء دهد: کسی حق ندارد به همراه خود غذا و آب حمل کند، سپس حضرت دستور می‌دهد تا سنگ حضرت موسی بن عمران علیه السلام - که به مقدار بار شتری است - برداشته شود و همراه نیروها آورده شود، پس در هر منزلی که فرود آیند، از آن سنگ چشمه‌ای از آب گوارا جاری گردد که هر گرسنه‌ای از آن میل کند، سیر گردد؛ و نیز هر تشنه‌ای از آن آب بیاشامد، سیراب شود و نیازی به طعام و مایعات نخواهند داشت.

و این آذوقه خوراکی و آشامیدنی برای تمامی افراد لشکر امام زمان علیه السلام می‌باشد، تا هنگامی که در نجف اشرف و کوفه وارد شوند. (۱)

۱ - اصول کافی: ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳، إکمال الدین: ص ۶۷۰، ح ۱۷، الخرائج والجرائح: ج ۲،

ص ۶۹۱، ح ۱.

(۱۵)

﴿ پیراهن یوسف و ابراهیم کجاست؟ ﴾

مرحوم شیخ صدوق، راوندی و بعضی دیگر از بزرگان به نقل از مفضل بن عمرو حکایت کند:

روزی در خدمت حضرت صادق آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین نشسته بودم، آن حضرت فرمود: آیا می دانی پیراهن حضرت یوسف علیه السلام چه بود و کجاست؟

عرض کردم: خیر، نمی دانم؛ شما بفرمائید تا فرا بگیرم.

امام علیه السلام فرمود: چون حضرت ابراهیم علیه السلام را خواستند داخل آتش بیندازند، جبرئیل امین علیه السلام پیراهنی از لباس های بهشتی برایش آورد و بر او پوشانید و آتش در مقابلش سرد و بی اثر شد.

و در آخرین روز حیاتش آن را تحویل حضرت اسحاق علیه السلام داد و او نیز پیراهن را بر حضرت یعقوب علیه السلام پوشانید که اندازه قامت او بود. و هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام به دنیا آمد، پدرش آن پیراهن را بر یوسف پوشانید، تا آن جایی که همان پیراهن را توسط برادرانش برای پدر خود - که نابینا گشته بود - فرستاد و او بینا گردید و این همان پیراهن بهشتی بود.

عرض کردم: اکنون آن پیراهن کجاست و چه خواهد شد؟

فرمود: الآن نزد اهلش می باشد و در نهایت، تقدیم قائم آل محمد صلوات الله علیه خواهد شد.

و هنگامی که آن حضرت ظهور نماید، آن پیراهن را بر تن مبارک خود می نماید و تمام مؤمنین در شرق و غرب دنیا، هر کجا که باشند بوی خوش آن را استشمام خواهند کرد.

و او - یعنی؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - در تمام امور وارث تمامی پیغمبران الهی می باشد. (۱)

۱ - إكمال الدین: ص ۳۲۷، ح ۷، الخرایج والجرایح: ج ۲، ص ۶۹۱، ح ۶، با تفاوتی مختصر.

(۱۶)

﴿ سرزنش در برگرداندان هدایا ﴾

مرحوم شیخ صدوق، کلینی، طبرسی و برخی دیگر از بزرگان، به نقل از حسن بن فضل حکایت کنند:

روزی وارد عراق شدم و بر این تصمیم بودم که خار نشوم و حرکت نکنم، مگر آن که شواهد و نشانه‌های کافی از حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دریابم و در ضمن با خود گفتم: آن قدر اینجا می‌مانم تا به خواسته خود برسم، گرچه فقیر شوم و با گدائی امرار معاش کنم.

پس از گذشت چند روزی، نزد یکی از سفیران و نمایندگان حضرت به نام محمد بن احمد آمدم و از او در رسیدن به مقصود خود تقاضای کمک کردم.

او در جواب اظهار داشت: داخل فلان مسجد برو، آن جا شخصی را ملاقات می‌کنی که تو را راهنمایی می‌نماید.

به همین جهت حرکت کردم و هنگامی که وارد آن مسجد شدم، شخصی نزد من آمد و چون نگاهش بر من افتاد خندید و گفت: غمگین و ناراحت باش، در همین سال به سفر حج خواهی رفت و سپس سالم به سوی خانواده و فرزندان برمی‌گردی.

با شنیدن این پیش‌بینی‌ها، دلم آرام گرفت و مطمئن شدم، ولی با خود گفتم: باید حتماً نشانه و دلیل آن را ببینم، انشاءالله. موقعی که به منزل بازگشتم، شخصی کیسه‌ای را که در آن چندین دینار و تعدادی لباس بود، درب منزل آورد و تحویل من داد؛ و پس از خا حافظی رفت.

در آن حال بسیار افسرده خاطر شدم و با خود گفتم: نصیب و سهم من همین بوده است؛ و از روی نادانی آن‌ها را به ضمیمه نامه‌ای گلایه آمیز پس دادم.

پس از گذشت مدتی از این کار جاهلانۀ خود پشیمان شده و گفتم: نسبت به مولایم حضرت صاحب‌الأمر علیه السلام کافر و بی‌اعتبار شده‌ام، لذا نامه‌ای دیگر نوشتم و از کردار ناشایست خود، عذرخواهی کرده و اظهار پشیمانی و توبه نمودم.

و چون نامه را فرستادم، حرکت کردم تا برای انجام و اقامه نماز آماده شوم.

در این بین فکرهای گوناگونی مرا احاطه کرده بود؛ و در افکار خویش غوطه‌ور بودم که ناگهان همان شخصی که کیسه پول و لباس‌ها را آورده بود، دو مرتبه وارد شد و مرا مخاطب قرار داد و اظهار نمود: ای حسن بن فضل! رفتار بدی را انجام دادی، چون که هنوز امام و مولایت را نشناخته‌ای.

سپس در ادامه سخن خویش افزود: ما در بعضی موارد جهت

تبرک مقدار اندکی پول و غیره برای دوستانمان می فرستیم، بدون آن که از ما سؤال و تقاضائی کرده باشند؛ و سپس آن شخص نامه‌ای را به دستم داد و رفت.

هنگامی که نامه را گشودم، در آن چنین مرقوم شده بود:
ای حسن بن فضل! در رابطه با این که هدیه ما را برگرداندی اشتباه کرده‌ای، پس اگر چنانچه به درگاه خداوند متعال توبه نمائی، خداوند توبه‌ات را پذیرا می‌باشد.

اما نسبت به مقدار دیناری که برایت فرستاده بودیم و آن‌ها را برگرداندی، در موردی دیگر مصرف کردیم؛ ولیکن لباس را قبول بکن که برای انجام مراسم و مناسک حج، در این لباس احرام ببندی.^(۱)

۱ - اصول کافی: ج ۱، ص ۵۲۰، ح ۱۳، اكمال‌الدین: ص ۴۹۰، ح ۱۳، اعلام‌الوری طبرسی: ج ۲،

(۱۷)

﴿ ریگ طلا در طواف کعبه ﴾

مرحوم شیخ طوسی رحمه الله علیه در کتاب خود به طور مستند حکایت نموده است:

شخصی به نام اُزدی - آودی - گفت: سالی از سال‌ها به مکه معظمه مشرف شده بودم و مشغول طواف کعبه الهی در دور ششم بودم، که ناگهان اجتماع عده‌ای از حاجیان - در سمت راست کعبه - توجه مرا جلب کرد، مخصوصاً جوانی خوش سیما و خوشبو، با هیبت و وقار عجیبی که در میان آن جمع حضور داشت، توجه همگان جلب او گشته بود.

پس نزدیک رفتم و آن جوان را در حال صحبت دیدم که چه زیبا و شیرین، سخن مطرح می‌فرمود، خواستم جلوتر بروم و چند جمله‌ای با او سخن گویم، ولی افرادی مانع من شدند.

پرسیدم: او کیست؟

گفتند: او فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله است که هر سال در کنگره عظیم حج، در جمع حاجیان شرکت می‌فرماید و با آنها صحبت و مذاکره می‌نماید.

با صدای بلند گفتم: من دنبال هادی می‌گردم، ای مولایم! مرا

نجات بده و هدایت و یاریم فرما.

پس با دست مبارک خود مُشتی از ریگ‌های کنار کعبه الهی را برداشت و به من فرمود: این‌ها را تحویل بگیر.

یکی از افراد حاضر جلو آمد و گفت: بینم چه چیزی تقدیم نمود؟ اظهار داشتم: چند ریگی بیش نیست، وقتی دست خود را باز کردم، در کمال حیرت چشمم به قطعه‌ای طلا افتاد.

در همین لحظه آن جوان خوش سیما نزدیک من آمد و اظهار داشت: حجّت برایت ثابت گردید و حقّ روشن شد، از سرگردانی نجات یافتی، اکنون مرا می‌شناسی؟

عرضه داشتم: خیر، شما را نمی‌شناسم!

فرمود: من مهدی موعود هستم، من صاحب الزّمان هستم، من تمام دنیا را عدالت می‌گسترانم، بدان که در هیچ زمانی زمین از حجّت و خلیفه خدا خالی نخواهد بود.

و سپس در ادامه فرمایش خود افزود: توجه کن که موضوع و جریان امروز امانتی است بر عهده تو، که باید برای اشخاص مورد وثوق و اطمینان بازگو و تعریف نمائی.^(۱)

۱ - غیبة طوسی: ص ۲۵۳، ح ۲۲۳، اصول کافی: ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۵، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۶۷،

إكمال الدین: ص ۴۴۴، ح ۱، الخرائج و الجرائح: ج ۲، ص ۷۸۴، ح ۱۱۰، مدینة المعاجز: ج ۸، ص ۷۱،

ح ۲۶۷۴، و ص ۱۶۵، ح ۲۷۶۴.

(۱۸)

﴿ خلیفه تمام انبیاء و ائمه در شهر کوفه ﴾

امام صادق علیه السلام در ادامه سخنان مفصلی که برای یکی از اصحابش به نام مفضل مطرح فرموده است، چنین حکایت نماید:

در آن هنگامی که قائم آل محمد (عجل الله تعال فرجه الشریف) ظهور نماید، پایگاه و مرکز حکومتش شهر کوفه خواهد بود.

و چون از مکه معظمه و مدینه منوره حرکت نماید و داخل شهر کوفه گردد، اولین سخن آن حضرت با مردم چنین است:

ای جمع خلایق! آگاه و هوشیار باشید، هر که مایل است حضرت آدم و شیث را بنگرد، نزد من آید؛ همانا که من خلیفه آنها هستم.

هر کس بخواهد که حضرت نوح و سام را ببیند، سوی من بیاید که من خلیفه آنها می باشم.

هر که تصمیم دارد حضرت ابراهیم و اسماعیل را مشاهده نماید، نزد من آید که من خلیفه آنها می باشم.

هر کس علاقه دارد حضرت موسی و یوشع را بشناسد، نزد من آید که من خلیفه آنها هستم.

هر که دوست دارد حضرت عیسی و شمعون را بنگرد، سوی من آید که من خلیفه آنها می باشم.

هر که شیفته دیدار حضرت محمد مصطفی و امیرالمؤمنین است، نزد من آید که من خلیفه آنها هستم.

هر که میل دارد بر حسن و حسین نگاه کند، نزد من آید که من جانشین آنها هستم.

هر که علاقه مند دیدار اهل بیت و ائمه اطهار است، نزد من آید که من خلیفه آنها می باشم.

ای مؤمنین! بشتابید به سوی من تا شما را به تمام آنچه آگاهید و آنچه ناآگاه هستید آشنا سازم؛ هر کس آشنا به کتاب های آسمانی است، توجه کند و گوش فرا دهد.

سپس امام زمان علیه السلام مقداری از کتاب حضرت آدم و شیث و نیز مقداری از کتاب حضرت نوح و ابراهیم علیهم السلام را تلاوت می فرماید و مواردی که از آنها را تحریف و دگرگون شده است مطرح می نماید؛ و پس از آن نیز آیاتی از قرآن را - طبق آنچه بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شده و امام علی علیه السلام تألیف و جمع آوری نموده - تلاوت می فرماید.

و تمام مسلمانان ها گویند: قرآنی که بر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است، این است که حضرت تلاوت می نماید.

پس از آن، امام علی علیه السلام رجعت و ظهور می نماید و علائم ایمان و کفر بر چهره هر کس آشکار می گردد. (۱)

۱ - مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۸۴، هداية الكبرى حنیفی: ص ۳۹۷، س ۱۲۵، بحار الأنوار: ج ۵۳،

(۱۹)

﴿ هفده نوع اطلاعات ﴾

مرحوم کلینی - صاحب کتاب شریف کافی - به نقل از برادرش، اسحاق بن یعقوب حکایت نماید:

سؤال‌های مختلفی را نوشتم و خدمت وکیل خاص امام زمان عجل الله تعال فرجه الشریف، به نام ابوجعفر محمد بن عثمان عمری رفتم و از او تقاضا کردم تا جواب سؤال‌های مرا از حضرت حجت الاسلام دریافت نماید.

پس از گذشت مدتی کوتاه، جواب کلیه آن سؤال‌ها را به عنوان تویق آن حضرت - به این شرح - دریافت کردم:

* آنچه پیرامون منکرین و مخالفین من از خویشان من و پسر عمویم سؤال کردی، پس بدان که بین خداوند متعال و هیچ یک از بندگانش خویشاوندی وجود ندارد؛ و هر که منکر من باشد، من نیز از او بیزار هستم و باید بداند که راه او همچون راه پسر حضرت نوح علیه السلام می‌باشد.

* و اما نسبت به عمویم جعفر و فرزندان او، همانند راه و روش برادران یوسف علیه السلام است.

* و اما نسبت به فقاع، حرام می‌باشد؛ ولی آب جو - که در منازل

گرفته می شود - مانعی ندارد.

* و آنچه از اموال - به عنوان خمس، زکات و دیگر وجوهات شرعیّه را که از شما - دریافت می کنیم، جهت تطهیر و تزکیه - نفوس و ثروت خود - شما است، هر که مایل بود پردازد و هر که مایل نبود نیازی به آن نیست.

* و نسبت به زمان ظهور و فرج، مربوط به خداوند متعال است و هر که تعیین وقت نماید، دروغ گفته است.

* و کسانی که معتقد باشند که امام حسین علیه السلام زنده است و کشته نشده، کافر و گمراه خواهند بود.

* و حوادث و مسائلی که رخ می دهد به - علماء و فقهاء - راویان احادیث ما مراجعه کنید، چون که آنها حجّت من بر شما و من حجّت خدا بر آنها هستم.

* اما محمد بن عثمان عمّری، خداوند از او و از پدرش راضی و خوشنود باشد؛ او مورد وثوق من و نوشته های او همانند نوشته من می باشد.

* و اما محمد بن علی بن مهزیار اهوازی، خداوند دل او را نورانی و روشن نماید و شک های او را زایل گرداند.

* و آن مقدار پولی را - که طبق وصیت اسحاق با فروش کنیزان آوازه خوانش - برای ما فرستاده، مورد قبول نیست؛ مگر آن که طاهر گردد، چون اجرت و قیمت غنا و آوازه خوانی حرام است.

* اما محمد بن شاذان، مردی از شیعیان و دوستان ما می باشد.

* و ابوالخطاب محمد بن ابو زینب، ملعون - و خبیث - است و نیز اصحاب و یاران او ملعون هستند، با آنها هم نشین و هم سخن مباش، چون که من و پدران من از آنها بیزار می باشیم.

* و آنهایی که اموال ما را - و آنچه مربوط به ما باشد - بی جهت حلال و مباح بدانند و مصرف کنند - آن اموال برایشان - همچون آتش دوزخ خواهد بود.

* و اما خمس - یعنی سهم امام و سهم سادات - را برای شیعیان و دوستان خود حلال و مباح کرده ایم و تا هنگام ظهور، می توانند مورد استفاده قرار دهند.

* و آنهایی که در دین و شریعت خداوند متعال و یا نسبت به ما - اهل بیت عصمت و طهارت - شک دارند، اگر توبه کنند پذیرفته است و نیازی نداریم که برای ما چیزی ارسال نمایند.

* و نسبت به علت وقوع غیبت: اولاً که خداوند متعال در قرآن فرموده است: ﴿وَلَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ﴾^(۱) یعنی؛ از بعضی مسائل سؤال نکنید، چون که موجب ناراحتی شما خواهد شد.

و ثانیاً هر یک از ائمه اطهار و پدرانم در حکومت یکی از ظالمان قرار گرفته بودند؛ ولی من هنگامی ظهور می نمایم که هیچ ظالمی

قدرت و اراده‌ای ندارد.

* اما این که چگونه از وجود من در زمان غیبت استفاده و بهره‌گیری شود؟

همانا جریان و موضوع غیبت من همانند خورشید است که ابر جلوی آن را پوشانیده باشد، بدانید که من برای موجودات زمینی وسیلهٔ امنیت و آسایش هستم، همان طوری که ستارگان برای اهل آسمان امان هستند.

و از آنچه برایتان مفید نیست و سودی ندارد، سؤال نکنید و خود را به زحمت نیندازید، و سعی نمائید برای تعجیل ظهور و فرج من بسیار دعا کنید.

و در خاتمه، ای اسحاق! سلام بر تو و بر کسانی باد که از نور هدایت - ما اهل بیت عصمت و طهارت - پیروی کنند.^(۱)

۱ - غیبه شیخ طوسی: ص ۱۷۶، ح ۲۴۷، إكمال الدین: ص ۴۸۳، ح ۴، الخرایج والجرایح: ج ۳، ص ۱۱۱۳، ح ۳۰، احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۳۴۴، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۷۰.

(۲۰)

﴿ خصوصیات حضرت از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله ﴾

حضرت جواد الأئمه به نقل از پدران بزرگوارش از امام حسین صلوات الله علیهم اجمعین در حدیثی بسیار طولانی حکایت فرماید:

روزی بر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم، شخصی به نام ابی بن کعب حضور داشت و سؤال و جواب‌هایی پیرامون ائمه اطهار علیهم السلام مطرح شد تا جایی که جدم رسول الله صلی الله علیه و آله اظهار داشت:

خداوند متعال در صلب یازدهمین خلیفه‌ام، نطفه‌ای پاک و منزّه قرار داده است که تمام انسان‌های مؤمن به وسیله آن شادمان و راضی خواهند شد.

خداوند تبارک و تعالی در عالم ذرّ عهد و میثاق ولایت او را گرفته است و کسانی نسبت به او کافر خواهند شد که منکر خداوند باشند.

او امامی است پرهیزکار و پاک، مسرور کننده و رضایت‌بخش، هدایت‌گر و هدایت‌بخش، حکم به عدل می‌نماید و بر اجرای عدالت دستور می‌دهد.

در تمام امور، خداوند حکیم را تصدیق می‌کند و خداوند هم او را تصدیق و تأیید خواهد کرد، او از دید افراد، مخفی و پنهان می‌گردد تا زمانی که آمادگی ظهور و بیان احکامش در جامعه آشکار شود.

در طالقان گنج‌های ارزشمندی در انتظار اوست که نه طلا است و نه نقره، بلکه مردانی قوی و پایدار خواهند بود. خداوند متعال هنگام فرزندم، از تمام شهرها و دورترین نقاط اصحاب او را گرد یکدیگر جمع می‌نماید که به تعداد اصحاب جنگ بدر - یعنی؛ سیصد و سیزده نفر - خواهند بود. و طوماری در دست دارد که در آن نام تمام اصحاب و یارانش با معرفی کامل از جهت نسب، شهر، شغل و فامیل خانوادگی ثبت و ضبط گردیده است.

امام حسین علیه السلام افزود: اُبی بن کعب سؤال کرد: علائم و نشانه‌های ظهور او چگونه و چیست؟

جدم رسول الله صلی الله علیه و آله در جواب او، فرمود: بیرقی مخصوص او قرار گرفته است که هر موقع زمان ظهورش فرا رسد؛ بیرق، باز و گسترده خواهد شد و خداوند متعال آن را به سخن درخواهد آورد، پس صاحبش را صدا می‌زند و می‌گوید:

ای ولیّ الله! ظاهر شو و دشمنان خدا را به هلاکت برسان.

همچنین شمشیری مخصوص او، در قلاف قرار داده شده است، که هنگام خروج حضرتش شمشیر از قلاف بیرون آید و با قدرت خداوند به سخن آید و گوید:

ای ولیّ الله! خارج و ظاهر شو، چون که دیگر بر تو جاثز نیست که نسبت به دشمنان خدا ساکت و آرام بنشینی.

پس در همان حال، ظاهر و خارج می‌گردد و دشمنان خداوند متعال را در هر کجای عالم و در هر حالتی بیابد - پس از اتمام حجّت - به قتل خواهد رساند.

و او تمام حدود و احکام الهی را به اجراء در خواهد آورد، در حالتی که جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ و شعیب فرزند صالح جلوی او قرار دارد.

و به همین زودی قبل از قیام قیامت، او را خواهید یافت و من تمام امور خود را به خداوند واگذار می‌کنم.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله در ادامه فرمایش خود افزود: ای اُبی! خوشا به حال کسی که در آن زمان حجّت خدا را درک کند و خوشا به سعادت کسی که دوستدار او، و معتقد و مؤمن به ولایت و امامت او باشد، همانا که خداوند متعال آن افراد مؤمن را از شدائد و هلاکت‌ها نجات می‌بخشد. (۱)

۱ - إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۱۸۶ - ۱۹۰، إكمال الدین صدوق: ۲۶۴، ح ۱۱، عیون اخبار الرضا

علیه السلام: ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۹.

(۲۱)

﴿ ده هزار نیرو در مقابل میلیاردها ﴾

حضرت عبدالعظیم حسنی رحمة الله عليه حکایت کند:
 روزی خدمت حضرت جواد الأئمه علیه السلام عرض کردم: یا ابن رسول
 الله! امیدوارم که شما قائم از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید.
 امام جواد علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم! هر یک از ما ائمه، در زمان و
 موقعیت خود، قائم و مجری احکام الهی و هدایت‌گر مردم به سوی
 دین خدا می‌باشیم.
 ولیکن آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از شرک و فساد
 پاک می‌گرداند و عدل و داد را می‌گستراند، ولادتش مخفی و پنهان
 می‌باشد و از دید انسان‌ها غایب و نامعلوم خواهد بود، بردن نام او در
 زمان غیبتش حرام است.
 او هم‌نام و هم‌کنیه با حضرت رسول، محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد؛ طی
 الأرض می‌نماید و زمین برایش می‌چرخد، تمام مشکلات برایش
 آسان می‌گردد و سختی‌ها و ناملايمات در مقابل حضرتش ذلیل و
 متواضع می‌باشند.
 به تعداد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر - یعنی سیصد و
 سیزده نفر - از دورترین سرزمین‌ها برایش احضار و اجتماع می‌نمایند

که خداوند متعال در قرآن، نیز به آن اشاره نموده: ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾. (۱)

یعنی؛ هر کجا باشید، خداوند شما را حاضر می‌گرداند، زیرا که او بر هر کاری قادر و توانا است.

و چون این تعداد نفرات تکمیل گردد، با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف عهد و پیمان ببندند، ده هزار نیروی کمکی دیگر برایش می‌رسد و با اذن خداوند متعال قیام و خروج می‌نماید؛ و دشمنان و مخالفان خداوند را به قدری به هلاکت می‌رساند تا خدا از او راضی گردد.

حضرت عبدالعظیم حسنی گوید: اظهار داشتیم: ای مولا و سرورم! چگونه به رضایت و خوشنودی پروردگار، علم پیدا می‌کند؟

فرمود: خداوند توانا، در قلب و درونش رحمت و رأفت ایجاد می‌گرداند.

و چون امام زمان علیه السلام داخل مدینه منوره شود، دو بُت لات و عزی را خارج نماید و آنها را در حضور افراد به آتش می‌کشد. (۲)

۱- سوره بقره: آیه ۱۴۸.

۲- احتجاج طبرسی: ج ۲، ص ۴۸۱، ح ۳۲۴، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۴۲، إكمال الدین: ص ۳۷۷، ح ۲، کفایة الأثر: ص ۲۸۱، با مختصر تفاوتی در الفاظ.

(۲۲)

﴿ خصایص حضرت حجّت ﷺ ﴾

محمد بن مسلم ثقفی گوید:

محضر مبارک حضرت باقرالعلوم ﷺ رفتم، تا درباره قائم آل محمد عجل الله تعال فرجه الشریف سؤالی نمایم، هنگامی که خدمت حضرت رسیدم، پیش از آن که سخنی بگویم، مرا مخاطب قرار داد و فرمود: ای محمد بن مسلم! قائم آل محمد (عج) دارای پنج امتیاز از پیامبران الهی می باشد که آن حضرت در این پنج امتیاز و خصوصیت با آن پیامبران شبیه است:

شبیه حضرت یونس ﷺ می باشد، از این جهت که او پس از سالها غیبت در شکم ماهی، هنگام ظهور و خروجش جوانی شاداب و نیرومند بود.

شبیه حضرت یوسف ﷺ است، از جهت این که از دید و از چشم غریب و آشنا مخفی و پنهان بود، به طوری که حتی برادرانش هم او را نمی شناختند.

شبیه حضرت موسی ﷺ است، چون مرتب طاغوتیان از ظهورش وحشت داشتند و ولادتش مخفی انجام گرفت.

و نیز غیبتی طولانی داشت و دوستان و پیروانش صدمات

و سختی‌های بسیاری را - در زمان غیبت حضرت موسی بن عمران - متحمل شدند؛ و مرتب در انتظار ظهورش چشم به راه بودند تا آن که خداوند متعال او را ظاهر گردانید و بر دشمنش پیروز آمد و مؤمنین در آسایش قرار گرفتند.

شبهه حضرت عیسی علیه السلام است، همچنان که امتش درباره او اختلاف کردند و عده‌ای گفتند: اصلاً عیسی متولد نشده، گروهی ادعا کردند که تولد یافته، ولی مرده است؛ بعضی هم گفتند: او را به دار آویختند و کشته‌اند و برخی هم بر واقعیت و حقیقت امر آگاه و پابرجا ماندند. و نیز شبهه جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد، از این جهت که با شمشیر خروج و قیام می‌نماید و دشمنان خدا و رسولش را به قتل می‌رساند، همچنین ستمگران و تجاوزگران را سرکوب و نابود می‌نماید.

پس او مانند جدش با نصرت‌های الهی بر همگان مسلط و پیروز خواهد شد؛ و هیچ پرچمی از او بدون پیروزی باز نمی‌گردد.

سپس امام باقر علیه السلام افزود: بعضی از نشانه‌های ظهور آن حضرت عبارتند از: خروج سفیانی از شام، صیحه آسمانی در ماه مبارک رمضان خواندن نام مبارک آن حضرت با نام پدر بزرگوارش.^(۱)

۱ - اکمال الدین: ص ۳۲۷، ح ۷، غیبه شیخ طوسی: ص ۲۶۱، إلام الوری: ج ۲، ص ۲۳۳، و ینابیع

المودة: ج ۳، ص ۳۱۱ با تفصیلی بیشتر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است.

(۲۳)

﴿ مردی کهن سال با شکل جوانی ﴾

مرحوم شیخ صدوق، طبرسی و برخی دیگر از بزرگان به نقل از ریّان بن صلت - که یکی از یاران و خدمت گزاران امام علی بن موسی الرضا علیه السلام است - حکایت نمایند:

روزی خدمت آن حضرت شرف حضور یافته و اظهار داشتم: یا ابن رسول الله! آیا شما صاحب الزمان و ولی امر هستی؟ فرمود: بلی، من ولی امر هستم؛ ولیکن نه آن کسی که دنیا را پر از عدل و داد می کند، و چگونه این کار از من ساخته باشد با این وضعیتی که در آن هستم!؟

آن کسی که منظور تو است، او قائم آل محمد (عج) می باشد که تمام ظلم ها و بی عدالتی ها را برطرف و عدالت را جایگزین می نماید. او هنگامی که ظهور و خروج می نماید، با این که کهن سال و عمری طولانی از او گذشته است، اما شکل و قیافه اش همچون جوانی شاداب، بسیار نیرومند و قوی است، که چنانچه بخواهد بزرگ ترین درخت را ریشه کن کند، با یک دست چنین نماید.^(۱)

۱ - همان طوری که پدرش امیرمؤمنان علی علیه السلام درب قلعه خیبر را با یک دست از جای کند و چندین متر

آن طرف تر پرتاب نمود که چهل نفر هم نتوانستند آن را بردارند.

امام زمان علیه السلام اگر فریادی بلند کند، تمام صخره‌ها متزلزل و دگرگون شوند، عصای حضرت موسی علیه السلام - با همان خصوصیت و حالت - و نیز - انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام همراه و در دست حضرت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

سپس امام رضا علیه السلام افزود: او چهارمین فرزند من می‌باشد که خداوند متعال او را پنهان و مخفی نگه می‌دارد، تا به موقع ظاهر گردد و دنیا را پر از عدل و داد نماید. (۱)

۱ - اكمال الدین: ص ۳۷۶، ح ۷، غیبة نعمانی: ص ۱۶۸، ح ۹، اعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۴۰.

(۲۴)

﴿ شهرسازی و تخریب و گُندی حرکت اُفلاک ﴾

مرحوم شیخ طوسی، صدوق، طبرسی و بعضی دیگر از بزرگان، به نقل از ابو بصیر حکایت کنند:

رزوی حضرت ابو جعفر، امام محمد باقر علیه السلام در جمع برخی از اصحاب فرمود:

هنگامی که قائم آل محمد علیه السلام ظهور نماید و به شهر کوفه وارد شود، دستور می دهد تا چهار مسجد از مساجد کوفه را تخریب نمایند، و دیوار و ساختمان سایر مساجد را کوتاه نمایند، تا برسد به آن مقدار ارتفاعی که در عهد پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده است، به طوری که بر هیچ ساختمانی از منازل و خانه ها اِشراف نداشته باشد.

همچنین دستور می دهد تا خیابان های اصلی شهرها از شصت ذرع - یعنی؛ سی متر - کمتر نباشد و آنچه مسجد و عبادت گاه در مسیر توسعه خیابان ها باشد تخریب می گردد.

و نیز تمامی پیش آمد ساختمان ها و بالکن هائی که مقداری از فضای جاده ها را گرفته باشد؛ و نیز سگ و پله هائی که قدری از راهروها را اشغال کرده، دستور می دهد تا همه آنها تخریب و اصلاح شود. کلیه بدعت ها و سنت های نامشروع را باطل و نابود می نماید

و سنت‌های حسنهٔ سعادت‌بخش را جایگزین آن‌ها خواهد نمود.
 تمامی شهرهای قسطنطنیه و چین و دیلم را فتح و در قلمرو
 حکومت اسلامی درخواهد آورد.
 و مدّت حکومت امام زمان (عجّ)، هفت سال به طول خواهد
 انجامید^(۱) و پس از آن خداوند متعال آنچه را مقدر نموده باشد واقع
 خواهد شد.

ابوبصیر که راوی این حکایت است، گوید: از حضرت
 باقرالعلوم علیه السلام سؤال کردم: چگونه ممکن است این همه برنامه‌ها و
 فعالیت‌ها در مدّت هفت سال اجراء شود؟!

حضرت فرمود: خداوند متعال تمامی أفلاک و کرات را دستور
 می‌دهد که از سرعت حرکت خود بکاهند تا زمان، طولانی گردد؛ بنابر
 این روزگار و سال‌ها - در آن زمان ظهور حضرت صاحب الزّمان
 (عجّ) طولانی‌تر از الآن خواهد بود.

سؤال کردم: منجمین و ستاره‌شناسان گویند: اگر تغییری در حرکت
 أفلاک و ستارگان به وجود آید، فساد بر پا می‌شود، آیا گفتهٔ آنان
 صحیح است؟

۱- و در بعضی روایات وارد شده است که مدّت حکومت حضرت ۳۰۹ (سیصد و نه) سال خواهد بود، به
 همان مقداری که اصحاب کهف در غار مخفی و غائب بودند. إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۹۳، به نقل از غیبه
 شیخ طوسی، تاج الموالد و دلائل الإمامة طبری.

امام علیه السلام فرمود: خیر صحت ندارد، این گفتار زندیق‌ها و بی‌دین‌ها است؛ ولیکن مسلمین چنین اعتقادی را ندارند، مگر نه این است که خداوند متعال ماه را برای پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دو نیم کرد. و حتی قبل از پیغمبر اسلام، خورشید برای حضرت یوشع علیه السلام از مسیر خود برگردانیده شد^(۱) و هیچ فساد و خللی در نظام زمین و آسمان واقع نگردید.

سپس امام باقر علیه السلام اشاره نمود: به طولانی شدن زمان در قیامت - برای محاسبه و بررسی اعمال بندگان - که قرآن نیز به آن تصریح کرده است.^(۲)

۱ - همچنین برای حضرت امیر المؤمنین امام علی صلوات الله علیه، خورشید چندین بار از جای خود حرکت کرد و باز گشت، مانند رجوع خورشید در آن هنگامی سر مقدس پیغمبر اکرم برزانوی امام علی علیه السلام بود؛ و نیز در سرزمین بابل و... که شیعه و سنی در کتابهای خود نگاشته‌اند و نیز در جلد دوم همین مجموعه اشاره‌ای شده است.

۲ - کتاب الغیبة شیخ طوسی ص ۴۷۵، ح ۴۹۸، إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۹۱، روضة الواعظین: ص ۲۶۴ با تفاوت مختصر در عبارات.

(۲۵)

﴿ ظهور نور و انتقام از ظالم ﴾

مرحوم شیخ صدوق رحمه الله علیه به نقل از عبدالسلام هروی حکایت کند:

روزی محضر شریف حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شرفیاب شدم و پیرامون حدیثی از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که فرمود: هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نماید تمام ذریه قاتلین امام حسین علیه السلام را بجهت کردار پدرانشان نابود می نماید و انتقام خون جدّ مظلومش را می گیرد؛ آیا صحیح می باشد؟

امام رضا علیه السلام فرمود: بلی، صحیح است.

گفتم: آیه قرآن که می فرماید: نمی توان گناه شخصی را بر دیگری تحمیل کرد، چه می شود؟

فرمود: خداوند متعال در تمام گفتارش صادق و راست گو است، ولیکن ذریه قاتلین حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام چون راضی به کردار پدرانشان بودند و به اعمال و حرکات زشت آنها فخر و مباحات می کردند، پس شریک جرم هستند.

چون هرکس راضی به کردار دیگری - چه خوب و چه بد - باشد در ثواب و عقاب او شریک است، گرچه شخصی در مغرب ظلم کند

و دیگری در مشرق نسبت به کار او راضی و خوشحال باشد، پس در این صورت شریک جرم محسوب می شود.

سپس افزود: امام زمان علیه السلام چنین افرادی را خواهد کشت.

بعد از آن عرضه داشتیم: یا ابن رسول الله! بعد از آن که امام زمان علیه السلام خروج نماید، ابتداء از کجا و نسبت به چه اموری اقدام می فرماید؟

امام رضا علیه السلام در جواب فرمود: وقتی قائم آل محمد صلوات الله علیهم خروج نماید، ابتداء به مجازات بنی شیبه در مکه می پردازد، چون آنها دزدان اولیه ای هستند که تمام اموال بیت الله الحرام را دزدیده اند و بدین جهت دست آنها را طبق دستور اسلام جدا خواهد کرد.^(۱)

(۲۶)

﴿ قاتل شیطان کیست؟ ﴾

اسحاق بن عمّار گوید:

روزی محضر شریف امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم و پیرامون آیه شریفه قرآن: ﴿ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴾ * قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿^(۱) سؤال کردم که آخرین روز مهلت حیات شیطان چه زمانی است؟

حضرت فرمود: آیا فکر می‌کنی تا قیامت و صحرای محشر باشد؟! خیر چنین نیست، بلکه منظور روز ظهور و قیام قائم آل محمد صلوات الله عليهم می‌باشد؛ چون امام زمان (عج) را ظاهر گردد و قیام کند، وارد مسجد کوفه خواهد شد و شیطان در مقابل حضرت دو زانو می‌نشیند و می‌گوید: وای از این روز که چه روز سختی است.

پس از آن امام زمان علیه السلام او را به قتل می‌رساند.

بنابراین مهلت شیطان تا آن روزی خواهد بود که به دست پُر توان حضرت صاحب الزمان (عج) به هلاکت ابدی خواهد رسید.^(۲)

۱- سورة جبر: آیه ۳۶-۳۸.

۲- تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۱۴، بحار الأنوار: ج ۶۳، ص ۲۵۴، ح ۱۱۶.

(۲۷)

﴿ آشنائی به درون و استجابات دعا ﴾

قاسم بن العلاء حکایت کند:

روزی مشکلات خود را در نامه‌ای نوشتم و اظهار داشتم که مدتی از عمر من سپری گشته و فرزندى ندارم، سپس آن نامه را برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام فرستادم.

پس از مدتی کوتاه جواب نامه آمد ولی اشاره‌ای نسبت به فرزند نفرموده بود؛ پس نامه‌ای دیگر برای حضرت نوشتم و تقاضا کردم تا دعائی نماید که خداوند، فرزندى پسر به من عنایت فرماید و نامه را ارسال کردم؛ در حالی که هیچ خبری از وضعیت همسرم نداشتم.

و چون جواب نامه آمد، نوشته بود: خداوندا! فرزندى پسر، عطایش فرما که چشمش به آن روشن گردد و وارث او باشد.

پس به منزل رفته و از همسرم جویا شدم که آیا آبستن می‌باشد؟ پاسخ داد: بلی، ناراحتی و مانعی که وجود داشت برطرف شد و در حال حاضر آبستن می‌باشم؛ و خداوند متعال به برکت دعای حضرت، فرزندى پسر به من عنایت فرمود. (۱)

۱ - اثبات الهداة: ج ۳، ص ۷۰۱، ح ۱۴۱، مدینه المعجزه: ج ۸، ص ۱۰۶، ح ۲۷۲۱، بحار الأنوار:

ج ۵۱، ص ۳۰۳، س ۲۰.

(۲۸)

﴿ درخواست مطالبات سفارشی ﴾

مرحوم شیخ طوسی، مفید، کلینی و دیگر بزرگان به نقل از بدر خادم - غلام احمد بن الحسن - حکایت کرده‌اند:
 من اعتقاد به امامت ائمهٔ اثنی عشر علیهم السلام نداشتم، ولیکن دوستدار و علاقه‌مند به آنها بودم.

روزی وارد جبل عامل شدم و چون اربابم خواست از دنیا برود سفارش کرد: اسب و شمشیر و دیگر لوازم شخصی او را تحویل مولایش امام زمان علیه السلام بدهم.

همین که اربابم رحلت کرد، با خود گفتم: والی و استاندار حکومت از فوت ارباب اطلاع یافته و اگر این اموال را تحویل او ندهم، ممکن است مرا تحت تعقیب و اذیت قرار دهد.

به همین جهت قیمت آنها را در نظر گرفتم و بدون آن که کسی متوجه نیت و افکار من شود، مبلغ هفتصد دینار بر ذمهٔ خود گرفتم و اموال را تحویل والی حکومت دادم.

پس از گذشت مدتی کوتاه، نامه‌ای از طرف امام زمان (عج) به دستم رسید، وقتی نامه را گشودم در آن، چنین مرقوم شده بود:

مبلغ هفتصد دیناری را که بر عهده گرفته‌ای بابت قیمت اسب

و شمشیر و دیگر اشیاء، برای ما بفرست.

پس من تعجب کرده و متحیر شدم که حضرت چگونه از نیت و افکار آگاه گشته، لذا ایمان آوردم و بر حقانیت امام دوازدهم و سایر ائمه علیهم السلام اعتقاد و معرفت پیدا کردم و تمامی آنچه را که بر ذمه گرفته بودم تحویل مأمور حضرت دادم.^(۱)

* قابل ذکر است: در رابطه با این حکایت، حکایاتی مشابه آن از دیگر اشخاص وارد شده است که در پاورقی کتاب‌ها به طور مفصل آنها را مطرح کرده‌اند.

۱ - إعلام‌الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۶۵، اصول کافی: ج ۱، ص ۴۳۸، ح ۱۶، غیبة طوسی: ص ۲۸۲،

خرائج راوندی: ج ۲، ص ۴۶۴، ح ۹، عیون المعجزات: ص ۱۴۷.

(۲۹)

﴿ دریافت وجوهات و تعیین نماینده ﴾

مرحوم کلینی، طوسی، راوندی و بعضی دیگر از بزرگان به نقل از محمد بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی حکایت کنند:

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام اموال بسیاری - از وجوهات توسط مؤمنین - نزد پدرم جمع شده بود، او متحیر شد که پس از آن حضرت به چه کسی رجوع کنیم.

پدرم تمام اموال را برداشت و با یکدیگر حرکت کردیم و راه دریا را به وسیله کشتی پیمودیم و چون مسافتی را طی کردیم از کشتی پیاده شدیم؛ پدرم سخت مریض شد و پیش از آن که رحلت نماید، اظهار داشت: نسبت به حفظ این اموال سعی و تلاش کن و آنها را به دست صاحبش برسان.

من با خود گفتم: پدرم بدون جهت و بدون اطلاع حرفی نمی زند و بیهوده وصیت نمی کند، باید این اموال را به عراق برسانم.

بر همین اساس آنها را برداشتم و در بغداد، کنار رود دجله خانه‌ای کرایه کردم و در حالی که هیچکس از افکار و موقعیت من خبری نداشت، تصمیم بر این داشتم که اگر کسی همانند حضرت ابومحمد، امام حسن عسکری علیه السلام پیدا شود و نشانی و خصوصیات

اموال را بگوید، تحویل او بدهم وگرنه مصرف زندگی خود نمایم. پس از آن که منزل را کرایه کردم، چند روزی را با همین سرگردانی سپری کردم، بعد از گذشت چند روز، ناگهان نامه‌ای توسط شخصی به دستم رسید.

وقتی نامه را گشودم، در آن با اشاره به تمام خصوصیات اموال و صاحبان آنها، به من خطاب نموده بود: ای محمد ابراهیم! آن اموال و اشیاء را تحویل حامل نامه بده.

چون تمام نشانی‌ها و خصوصیات، حقیقت و واقعیت داشت فهمیدم که فرزند امام عسکری علیه السلام، حضرت مهدی امام زمان صلوات الله علیه نامه را فرستاده است، لذا آنها را تحویل آورنده نامه دادم و چند روزی دیگر را در همان منزل ماندم تا آن که نامه‌ای دیگر از همان حضرت به این مضمون به دستم رسید:

ما تو را به جای پدرت قرار دادیم و باید در هر حالی که هستی شکرگزار خداوند متعال باشی. (۱)

۱- اصول کافی: ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۵، غیبة طوسی: ص ۲۸۱، ح ۲۳۹، إعلام الوری طبرسی: ج ۲،

ص ۲۶۱، الخرائج والجرائح: ج ۱، ص ۴۶۲، ح ۷.

(۳۰)

﴿ اولین برنامه عملی پس از ظهور و قیام ﴾

حضرت ابو جعفر، باقرالعلوم علیه السلام دربارهٔ اولین مرحلهٔ ظهور حضرت حجّت امام زمان (روحی له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین مطرح فرموده است:

مثل این که در حال مشاهدهٔ ظهور قائم آل محمد (عج) هستم که از مکه به همراه پنج هزار ملائکه به سوی کوفه حرکت می‌کند، و جبرئیل سمت راست و میکائیل سمت چپ و مؤمنین در جلو حضرت حرکت می‌کنند و در حال فرستادن نماینده و لشکر به سوی شهرها می‌باشد.

هنگامی که وارد شهر کوفه گردد، سه پرچم برافراشته شده و به یکدیگر ملحق شوند.

سپس حضرت داخل مسجد کوفه می‌شود و بالای منبر می‌رود و مشغول صحبت و سخنرانی خواهد شد؛ ولی در اثر تراکم جمعیت و گریهٔ افراد، کسی متوجه محتوای فرمایشات آن حضرت نمی‌شود. تا آن که جمعهٔ دوّم فرا می‌رسد و مردم درخواست می‌کنند تا حضرت نماز جمعه را اقامه نماید.

به همین جهت، حضرت دستور می‌فرماید تا بیرون مسجد شهر

کوفه - بین نجف و کوفه - محلی را جهت إقامة نماز جمعه تهیه کنند و در همان مکان، نماز جمعه را اقامه می‌نماید.

بعد از آن دستور می‌دهد تا آن که نهر و کانالی از (شطّ فرات) کربلاء تا نجف اشرف حفر نمایند و در همان زمان بدون فاصله، چندین پُل بر سر هر گذرگاهی نصب خواهد شد؛ و در کنار هر پُلی یک آسیاب ساخته شود.

امام محمد باقر علیه السلام در پایان افزود: مثل این که می‌بینم پیرزنی را که مقداری گندم بر سر نهاده و جهت آرد کردن به سمت یکی از آن آسیاب‌ها می‌آورد و آسیابان، گندم‌های او را بدون مُزد و بدون اجرت آرد نموده و تحویلش می‌دهند. ^(۱)

امام صادق علیه السلام پیرامون مسجدی که بیرون شهر کوفه به دستور حضرت حجّت (عج) ساخته می‌شود فرمود: دارای یک هزار درب - ورودی و خروجی - خواهد بود؛ و خانه‌های شهر کوفه را به نهر فرات در کربلاء متصل می‌گرداند. ^(۲)

۱ - غیبة طوسی: ص ۴۶۸، ح ۴۸۵، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۸۷، خراج: ج ۳، ص ۱۱۷۶، روضة الواعظین: ص ۲۶۳، تلخیص از سه حدیث می‌باشد.

۲ - غیبة طوسی: ص ۴۶۷، ضمن ح ۴۸۴، إعلام الوری: ج ۲، ص ۲۸۷.

(۳۱)

﴿ جبرئیل اولین بیعت کننده در کعبه الهی ﴾

مرحوم شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه به نقل از مفضل بن عمر حکایت کند:

روزی در محضر مبارک امام جعفر صادق علیه السلام بودم، از آن حضرت ضمن فرمایشاتی شنیدم که درباره جریان ظهور و خروج قائم آل محمد صلوات الله علیه چنین فرمود:

موقعی که خداوند متعال حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را جهت ظهور و خروج اجازه دهد.

حضرت در مکه معظمه بالای منبر می رود و مردم را به سوی خود دعوت می نماید و آنها را به خداپرستی و معنویت راهنمایی می کند. و دستور می دهد بر این که جامعه باید در مسیر اجراء احکام و روش زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله حرکت نماید.

در همین بین خداوند متعال جبرئیل علیه السلام را می فرستد و در محلی به نام حطیم نزد امام عصر صلوات الله علیه حضور می یابد و اظهار می دارد: برنامه‌ات چیست؟

و مردم را به چه چیزی دعوت می کنی؟

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برنامه و مسیر حرکت

خود را با جبرئیل در میان می‌گذارد.

پس از آن جبرئیل می‌گوید: من اول کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم؛ و سپس دست خود را در دست حضرت قرار می‌دهد.

و سپس تعداد سیصد و سیزده نفر که از شهرهای مختلف جمع شده‌اند، با حضرت بیعت می‌کنند.

بعد از آن، حضرت در شهر مکه باقی خواهد ماند تا تعداد اصحاب و یارانش به ده هزار نفر برسد و پس از آن که تکمیل شد به سوی مدینه حرکت می‌نماید.^(۱)

۱ - إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۸۸، روضة الواعظین: ص ۲۶۵.

(۳۲)

﴿ سیره و روش تشکیل حکومت جهانی ﴾

پنجمین اختر ولایت حضرت باقرالعلوم علیه السلام ضمن یک سخن طولانی چنین اظهار فرمود:

مهدی موعود علیه السلام همچون حضرت موسی علیه السلام با حالتی بین خوف و رجاء ظهور و خروج می نماید و چون وارد مکه معظمه گردد، لشکر سفیانی در بیابانی به نام بیداء در زمین فرو می رود و اثری از آنها باقی نمی ماند.

امام زمان بین رکن و مقام، نماز به جا می آورد و قیام خود را با این کلمات شروع می نماید:

ای مردمان! ما بر علیه کسانی که بر ما ظلم و تجاوز کردند و حق ما را غصب و چپاول کردند، طلب کمک می کنیم و یاری می جوئیم، من نسبت به آدم، نوح، ابراهیم و همه پیامبران اولویت دارم، من از تمامی افراد نسبت به کتاب خدا آشناتر هستم.

امروز همه افراد را شاهد و گواه می گیرم که ما - اهل بیت رسالت - مظلوم و مطرود شده ایم، حق ما و شیعیان ما را غارت کرده اند و ماها را از دیار خود رانده اند؛ پس، از همه مسلمانان یاری و کمک می خواهیم تا بر حق خود نائل آئیم.

سپس امام باقر علیه السلام افزود: سیصد و چند نفر مرد و پنجاه نفر زن از نقاط مختلف، در مکه معظمه تجمع می‌کنند که هر کدام نسبت به دیگری تابع و متواضع خواهد بود.

عهدنامه و سلاح و پرچم جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه امام زمان سلام الله علیه است و منادی بین زمین و آسمان با نام آن حضرت، فریاد می‌زند و تمامی اهل زمین خواهند شنید، که حجّت خدا و قائم آل محمد ظهور و قیام کرده است.

پس از آن به سوی مدینه و از آن جا به سمت کوفه حرکت می‌نماید و در کوفه مدّتی طولانی را سپری خواهد نمود.

و چون حکومتش در کوفه مستقرّ گردد، تمامی انسان‌ها طبق احکام اسلام آزاد خواهند بود، و مشکلات اقتصادی تمام تهی‌دستان و درماندگان را حلّ خواهد نمود، و هرکس که به هر نوعی حَقّش غصب شده باشد، جبران می‌گردد.

هرکس محکوم به اعدام گردد، خون‌بهای او را به خانواده‌اش می‌پردازند؛ و عدالت از هر جهت در جامعه حکم فرما خواهد شد.

حضرت با خانواده‌اش در محلی به نام رجبه - که محلّ سکونت حضرت نوح علیه السلام بوده است - سکونت و منزل می‌گزیند.^(۱)

(۳۳)

﴿ خبر از درون میهمان مسافر و پذیرائی ﴾

یکی از بزرگان شیعه معروف به ابومحمد، عیسی بن مهدی جوهری حکایت کند:

در سال ۲۶۸ شنیدم که حضرت مهدی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از عراق به سوی مدینه طیبه کوچ نموده است. من نیز به قصد زیارت خانه خدا و انجام حج عازم مکه معظمه شدم، به امید آن که بتوانم مولایم امام زمان (عج) را زیارت و ملاقات کنم، چون به روستای صریا رسیدم، بسیار خسته و بی حال گشتم و میل خوردن ماهی با ماست و خرما پیدا کردم که چیزی همراه نداشتم و به هر شکلی بود خودم را به مدینه رساندم.

موقعی که با دوستانم برخورد کردم، مرا بر ورود امام زمان (عج) بشارت دادند و به ساختمانی راهنمایی کردند که حضرت در آن جا ساکن شده بود، نزدیک آن ساختمان رفتم و منتظر ماندم تا هنگام نماز مغرب و عشاء فرا رسید، نماز را خواندم و بعد از سلام نماز، مشغول دعا و راز و نیاز با خدای خود شدم که بتوانم مولایم را زیارت کنم.

ناگهان غلامی از ساختمان بیرون آمد و با صدای بلند گفت:

ای عیسی بن مهدی جوهری! وارد ساختمان بشو، پس بسیار خوشحال شدم و با گفتن: لا إله إلا الله و تکبیر و حمد و ستایش خداوند، داخل منزل رفتم.

وقتی به درون ساختمان رسیدم، سفره‌ای را گسترده دیدم، غلام مرا کنار آن سفره برد و نشان داد و گفت: مولایت فرموده است: از این غذاها آنچه میل داری تناول کن.

با خود گفتم: چگونه غذا بخورم و حال آن که هنوز مولایم را ندیده‌ام، ناگهان صدائی را شنیدم: ای عیسی! از غذاهای ما آنچه را اشتها کرده‌ای، میل کن و مرا خواهی دید.

نگاهی بر سفره کردم، دیدم همان چیزهائی است که اشتها کرده بودم، با خود گفتم: چگونه از درون من آگاهی یافت و آنچه را خواسته بودم بدون آن که به زبان بیاورم، برایم آورده شده است؟! در همین لحظه صدائی شنیدم که فرمود: ای عیسی! نسبت به ما اهل بیت - عصمت و طهارت - در خود شک و تردید راه مده، ما به هر چیزی آشنا و آگاه هستیم.

با شنیدن این سخن گریان شدم و از افکار خود توبه کردم و مشغول خوردن ماهی و ماست با خرما گشتم و هر چه می‌خوردم، از غذا کم نمی‌شد؛ و چون در عمرم غذائی به آن لذیذی ندیده و نخورده بودم، بسیار تناول کردم و با خود گفتم: دیگر کافی است، زشت است بیش از این بخورم و خجالت کشیدم.

نیز سخنی را شنیدم که فرمود: ای عیسی! خجالت نکش و آنچه که میل داری تناول کن، این غذای بهشتی است و دست انسان به آن نخورده است، پس مقداری دیگر میل کردم و عرضه داشتم: ای مولا و سرورم! کافی است، سیر شدم.

صدائی دیگر را شنیدم: اکنون به نزد ما بیا. هنگامی که خواستم حرکت کنم، با خود گفتم: آیا با دست‌های نشسته نزد مولایم بروم!؟

حضرت از درون من همچون گذشته آگاه بود، لذا فرمود: اثر غذای بهشتی باقی نمی‌ماند و نیازی به شستن نیست.

پس برخاستم و نزدیک محلی که صدا از آن جا به گوشم می‌رسید، رفتم.

ناگهان شخصی نورانی و عظیم‌القدر در مقابلم ظاهر گشت و من مبهوت جلالت و عظمت آن حضرت شدم؛ در همین لحظه فرمود: چه شده است که شما توان دیدن مرا ندارید؟

برو و دوستانت را نسبت به آنچه دیدی با خبر گردان و بگو: درباره ما شک نکنند.

گفتم: برایم دعا کن تا ثابت قدم و با ایمان بمانم، فرمود: اگر ثابت قدم و با ایمان نمی‌بودی، این جا نمی‌آمدی و مرا نمی‌دید. (۱)

۱ - هدایة الکبریٰ حضینی: ص ۳۷۳، بحار: ج ۵۲، ص ۶۸، ح ۵۴، ج ۸۱، ص ۳۹۵.

(۳۴)

﴿ نابودی آثار ظالمان و قتل مخالفان بعد از بیان حجّت ﴾

یکی از اصحاب و شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام، به نام مفضل، از آن حضرت سؤال نمود:

هنگامی که حضرت مهدی صلوات الله علیه ظهور نماید با ساختمان کعبه چه خواهد کرد؟

حضرت در پاسخ فرمود: ساختمان کعبه را به همان حالت اولیه اش که حضرت آدم علیه السلام بنا کرد و حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام آن را تکمیل و تعمیر کردند، در خواهد آورد.

و تمام آثار و نشانه های سلاطین و ظالمین در مکه، مدینه و عراق را تخریب و نابود می گرداند.

سپس در جواب این سؤال که امام زمان (عج) با اهالی مکه چه برخوردی خواهد داشت؟

فرمود: اهالی مکه را موعظه و ارشاد می نماید و چون اظهار تبعیت و همدلی کنند، کاری به آنها نخواهد داشت و هنگامی که عازم مدینه گردد، شخصی را در مکه جانشین خود قرار دهد.

ولیکن وقتی حضرت از مکه خارج شود، مردم شورش کنند و نماینده حضرت را به قتل برسانند و به ناچار حضرت به مکه باز

می‌گردد و اهلالی نزد او آیند و با حالت گریه و زاری اظهار ندامت کنند و گویند: ای مهدی آل محمد! (صلوات الله علیهم) ما توبه کردیم، ما را ببخش و مورد عفو قرار بده.

پس حضرت آنها را مورد عفو قرار می‌دهد و در مرحله دوم اهلالی مکه را موعظه و نصیحت می‌فرماید و شخص دیگری را به عنوان جانشین خود منصوب می‌گرداند و به قصد مدینه حرکت می‌نماید.

بار دیگر اهلالی مکه شورش کنند و جانشین حضرت را به قتل رسانند، و حضرت با شنیدن این خبر به مکه باز گردد، و اهلالی مکه نیز با حالت گریه و شیون حضور امام زمان علیه السلام آیند و گویند: ای مهدی آل محمد! (صلوات الله علیهم) ما بیچاره شدیم و فریب خوردیم، اکنون پشیمان هستیم، توبه ما را بپذیر، شما اهل بیت رحمت و محبت هستید.

حضرت این بار نیز آنها را مورد عفو قرار می‌دهد و در مرحله سوم نیز آنها را موعظه و ارشاد می‌فرماید و هشدار می‌دهد که چنانچه تکرار کنند، دیگر قابل بخشش نیستند؛ و سپس شخص دیگری را به عنوان خلیفه و جانشین خود قرار می‌دهد و به سوی شهر مدینه حرکت می‌نماید.

ولی متأسفانه باز هم اهلالی مکه شورش کنند و نماینده آن حضرت را به قتل رسانند.

هنگامی که مجدداً حضرت، از قتل نماینده‌اش با خبر شود، تمام انصار و لشکر خود را دستور دهد تا به مکه برگردند و تمام اهالی آن دیار را به هلاکت رسانند؛ چون تبه‌کاران عذری برای نجات خود باقی نگذاشتند؛ و همه به هلاکت خواهند رسید مگر آن افرادی را که آثار سیمای ایمان و خلوص در چهره‌شان مشاهده گردد.

مفضل در ادامه پرسش‌های خویش، مطرح نمود: منزل و مأوای حضرت مهدی موعود صلوات الله علیه؛ و نیز محلّ تجمع مؤمنین در کجا خواهد بود؟

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: محلّ حکومت و ریاست امام زمان علیه السلام در شهر کوفه خواهد بود، و مسجد کوفه جایگاه قضاوت و حلّ و فصل امور قرار می‌گیرد، و مسجد سهله، محلّ جمع‌آوری بیت‌المال و تقسیم در بین نیازمندان می‌باشد.^(۱)

۱- هدایة الکبریٰ حضینی: ص ۳۹۸ - ۴۰۰، بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۶، ح ۱.

(۳۵)

﴿ زیارت امام حسین (ع) و همراهی با یکی از مخالفین ﴾

یکی از مشایخ و بزرگان طایفه زیدیه به نام ابوسوره محمد بن حسین تمیمی حکایت کند:

روزی از کوفه به قصد زیارت قبر امام حسین علیه السلام حرکت کردم، وقتی وارد حرم مطهر شدم، موقع نماز عشاء فرا رسید.

خواستم در نماز سوره حمد را شروع کنم که متوجه شدم، جوانی خوش سیما^(۱) پالتوئی پوشیده و قبل از من شروع به خواندن نماز نمود و نیز قبل از من به پایان رسانید.

چون صبح شد، به همراه آن جوان به سمت شطّ فرات روانه شدم، پس رو به من نمود و اظهار داشت: مقصد تو کوفه است به همان سمت روانه شو و برو.

و من طبق دستور، از کنار شطّ فرات حرکت کردم و آن جوان راه خشکی را انتخاب نمود.

۱ - امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای فریادری نیازمندان و حضور در مجامع و مکانها به شکلهای مختلف و لباسهای گوناگون ظاهر می گشته است، تا مبادا حضرت را بشناسند همچنین در فریادری نسبت به عموم افراد لطف و محبت داشته و دارد، داستان موجود نمونه ای از آنها است. ضمناً حضرت در داستان بعد که ادامه همین داستان است نام صریح خود را در جواب سؤال مطرح فرموده است.

وقتی جوان از من جدا شد، بسیار تأسف خوردم و ناراحت شدم
بر این که چرا از یکدیگر جدا شدیم، برگشتم تا همراه او باشم.
پس مجدداً رو به من نمود و فرمود: همراه من بیا.

پس با یکدیگر حرکت کردیم تا به قلعهٔ مسنات رسیدیم و در آن
جا استراحت نموده؛ و سپس به سوی نجف روانه شدیم و چون به تپهٔ
خندق رسیدیم، فرمود: ای ابوسوره! تو در وضعیت سختی به سر
می‌بری و از جهت تأمین زندگی خانواده‌ات در مضیقه می‌باشی، برای
آن که از سختی نجات یابی، برو به سمت منزل ابوطاهر رازی و چون
به منزل او برسی، از خانه‌اش در حالتی بیرون می‌آید که دست‌هایش
آلوده به خون گوسفند قربانی شده است.

به او بگو: جوانی با این اوصاف پیام داد که آن کیسهٔ دینارهایی را
که پائین تخت خوابت پنهان و دفن کرده‌ای، تحویل من بدهی.
ابوسوره گوید: هنگامی که وارد کوفه شدم، به سوی منزل ابوطاهر
روانه شده و او را با دست‌های خون‌آلود مشاهده کردم؛ و پیام
حضرت را برایش بازگو کردم.

گفت: حتماً دستور او اجراء می‌گردد، چون واجب الإطاعة است
و کیسه‌ای را آورد و تحویل من داد.^(۱)

۱ - الثاقب فی المناقب: ص ۵۹۶، ح ۵۳۸، غیبة طوسی: ص ۲۹۸، ح ۲۵۴، خرائج راوندی: ج ۱،

ص ۴۷۰، ح ۱۵، بحار: ج ۵۱، ص ۳۱۸، ح ۴۱.

(۳۶)

﴿ راهنمایی و کمک به حاجی اسدآبادی گم گشته ﴾

محدثین و تاریخ نویسان شیعه و سنی در کتاب های مختلف، به نقل از شخصی به نام راشد همدانی از اهالی اسدآباد حکایت کنند: پس از انجام مراسم حجّ خانه خدا، به سمت دیار خود مراجعت کردم و در بین مسیر، راه را گم کرده و سرگردان شدم تا آن که به سرزمینی سبز و خرم رسیدم؛ خاک آن بسیار معطر بود.

خیمه های متعددی در آن مشاهده کردم، نزدیک رفته و دو نفر پیشخدمت را دیدم، آن دو خادم به من گفتند: در محل خوبی وارد شده ای، همین جا بنشین.

سپس یکی از آن دو نفر، وارد خیمه ای شد و بعد از گذشت لحظاتی بیرون آمد و گفت: وارد شو، حضرت اجازه فرمود.

همین که داخل آن خیمه شدم، جوانی را دیدم که نشسته است و شمشیر بزرگی را بالای سرش نصب کرده بودند، پس سلام کردم.

جواب سلام مرا داد و فرمود: آیا مرا می شناسی؟

عرض کردم: خیر، تا کنون شما را ندیده ام.

اظهار داشت: من قائم آل محمد هستم، من آن کسی هستم که در آخر الزمان به همراه این شمشیر خروج می کنم و جهان را پر از عدل

و داد می‌نمایم و ظلم و ستم را نابود می‌سازم.
 هنگامی که این سخنان را شنیدم، روی زمین افتادم و در مقابلش
 تعظیم کردم.

فرمود: بلند شو، برای من سجده نکن، چون که برای غیر خداوند
 متعال نباید سجده کرد، تو راشد همدانی هستی که راه را گم کرده‌ای،
 آیا مایل هستی به خانواده و دیار خود بازگردی؟
 عرض کردم: بلی.

بعد از آن بسیار در حیرت و تعجب قرار گرفتم که چگونه و از کجا
 مرا می‌شناسد و نام مرا می‌داند!!
 سپس آن حضرت کیسه‌ای را به من لطف نمود و به خادم خود
 اشاره‌ای کرد.

پس به همراه خادم چند قدمی راه رفتیم، ناگهان اسدآباد را
 مشاهده کردم و خادم حضرت با اظهار محبت گفت: ای راشد! این
 دیار شما اسدآباد است، برو در پناه خداوند.

سپس خادم از چشم من ناپدید گشت و او را ندیدم، وقتی وارد
 منزل شدم، کیسه را باز کردم در آن پنجاه دینار بود و با آن دینارها
 خداوند برکت و توسعه عجیبی در زندگی ما عطا نمود.^(۱)

۱ - إكمال الدین: ص ۴۵۳، ج ۲۰، الثاقب فی المناقب: ص ۶۰۵، ح ۱، ینایع المودّة: ج ۳، ص ۳۳۲،

ح ۱۰، حلیة الأبرار: ج ۵، ص ۲۳۱، ح ۳، مدینة المعاجز: ج ۸، ص ۱۸۳، ح ۲۷۸۱.

(۳۷)

﴿ تقسیم عادلانه و حکم بر حقایق مذاهب ﴾

مرحوم شیخ صدوق و بعضی دیگر از بزرگان رضوان الله علیهم به نقل از جابر جعفی - که یکی از روای حدیث و از اصحاب امام باقر علیه السلام است - حکایت کنند:

روزی در محضر شریف آن حضرت بودم، شخصی وارد شد و مبلغ پانصد درهم تحویل امام علیه السلام داد و گفت: این زکات اموال می باشد، در هر راهی که مصلحت می دانی مصرف نما.

حضرت باقرالعلوم علیه السلام فرمود: خودت آنها را بردار و بین همسایگان و خویشانی که محتاج هستند، تقسیم کن.

سپس افزود: هنگامی که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام نماید، بیت المال را بین مستحقین و افراد جامعه به طور تساوی و عادلانه تقسیم می نماید و تفاوتی بین افراد نمی گذارد، در آن زمان هرکس از آن امام بر حق اطاعت کند، از خداوند متعال فرمان برده است؛ و هر که او را نافرمانی و مخالفت کند، خدای سبحان را معصیت کرده است.

و در ادامه فرمایش خود، فرمود: علت آن که به آن حضرت، مهدی گفته اند، به آن جهت است که جامعه را به سمت واقعیات

و حقایق هدایت می‌نماید.

و سپس افزود: همین که آن حضرت - یعنی؛ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف - ظهور و قیام کند، کتاب‌های آسمانی همانند تورات و غیره را از غاری در سرزمین انگلستان بیرون می‌آورد و اهل تورات را به وسیله محتوای تورات و اهل انجیل را به وسیله آن و اهل زبور و اهل فرقان را به وسیله حقایق نهفته در کتاب‌هایشان هدایت و ارشاد می‌فرماید.

تمام ثروت‌های دنیا در اختیارش قرار خواهد گرفت، تمام ذخائر و گنج‌های زیر زمین آشکار و در اختیار آن حضرت می‌باشد. در آن هنگام خواهد فرمود: آنچه که به وسیله قطع صلۀ رحم، ظلم، و ستم و ارتکاب گناه و معصیت از شما پنهان شده بود و محروم گشته بودید، اکنون ظاهر گشته و در اختیار شما قرار گرفته است؛ و به هر کسی به مقدار نیازش عطا خواهد نمود.

امام باقر علیه السلام در پایان فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مهدی موعود از اهل بیت من می‌باشد و هم‌نام من خواهد بود، دین من به وسیله او محفوظ می‌ماند، و او سنت‌های مرا اجراء خواهد کرد و دنیا را پُر از عدل و داد می‌نماید. (۱)

۱ - علل الشرایع: ص ۱۶۱، ح ۳، إثبات الهداة: ج ۳، ص ۴۹۷، ح ۲۶۸، حلیة الأبرار: ج ۵، ص ۲۰۷،

ح ۳، غیبة نعمانی: ص ۲۳۷، ح ۲۶.

(۳۸)

﴿ مهمان نوازی و هدایت ﴾

همچنین مرحوم شیخ صدوق، طوسی، راوندی و برخی دیگر به نقل از شخصی به نام أبو محمد فرزند و جناء حکایت نمایند:

روزی در کنار کعبه الهی زیر ناودان طلا در مقابل عظمت خداوند متعال سر به سجده نهاده و مشغول دعا و گریه و زاری بودم، ناگهان متوجه شدم شخصی مرا تکان داد و سپس اظهار داشت: ای حسن بن و جناء! بلند شو.

وقتی بلند شدم، دیدم یک جاریه‌ای بسیار لاغر و ضعیف که قریب چهل سال داشت، نزد من ایستاده و گفت: همراه من بیا.

پس دنبال او به راه افتادم تا آن که وارد خانه حضرت خدیجه کبری علیها السلام شدیم و جاریه از پله‌هایی که به طبقه بالا راه داشت بالا رفت؛ و من متحیر و سرگردان ایستادم.

ناگهان صدائی را شنیدم که فرمود: ای حسن! بالا بیا.

سپس من نیز از پله‌ها بالا رفتم و حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه را دیدم که داخل اتاق نشسته است، موقعی که وارد بر حضرت شدم سلام کردم، مرا مخاطب قرار داد و فرمود:

ای حسن! آیا فکر می‌کنی از دید من مخفی و پنهان هستی؟

نه چنین نیست، به خدا قسم! من در تمام اعمال و مناسک حج همراه تو بوده‌ام.

بعد از آن تمام جاهائی را که من رفته بودم و اعمالی را که انجام داده بودم با تمام خصوصیات و جزئیات بیان و معرفی نمود و من بسیار حیرت زده شدم و از خود بی‌قرار گشتم و بی‌هوش روی زمین افتادم؛ و پس از لحظه‌ای حالم بهتر شد و احساس کردم دستی به من خورد و مرا حرکت می‌دهد.

هنگامی که برخاستم و نشستم فرمود:

زمانی که به شهر مدینه وارد شدی، قصد اقامت کن و محل سکونت خود را منزل حضرت ابو عبدالله، جعفر بن محمد الصادق علیه السلام قرار بده؛ و از جهت لوازم خوراکی و آشامیدنی ناراحت نباش، همچنین فکر لباس نکن، انشاءالله همه آن‌ها مرتب خواهد بود.

بعد از آن دفتری را که در آن دعای فرج و نیز دعای صلوات بر حضرت بود، تحویل من داد و فرمود: برای فرج و ظهور من این دعا را بخوان و برای من درود و صلوات فرست.

سپس افزود: مواظب باش این دفتر را در اختیار هرکس قرار ندهی مگر آن که از دوستان و علاقه‌مندان به ما اهل بیت رسالت باشد، خداوند متعال تو را موفق گرداند.

عرضه داشتم: ای مولا و سرورم! آیا بار دیگر موفق به دیدار شما

خواهم شد؟

فرمود: اگر خداوند متعال بخواهد.

حسن و جناء گوید: پس چون مناسک حج را انجام دادم، طبق فرمایش حضرت عازم مدینه منوره گشتم و پس از قصد اقامت، در منزل امام صادق علیه السلام وارد شده و ساکن شدم.

و طبق وعده حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، هر روز به طور مرتب مقداری غذا و نان و آب برایم آورده می شد، همچنین لباس مورد نیاز جهت هر فصلی برایم فراهم می گردید، بدون آن که در این مورد تلاشی داشته باشم.^(۱)

۱- إكمال الدین شیخ صدوق: ص ۴۴۳، ح ۱۷، خرائج راوندی: ج ۲، ص ۹۶۱، الثاقب فی المناقب:

ص ۶۱۲، ح ۶، إثبات الهداة: ح ۳، ص ۶۷۰، ح ۳۸، بحار: ج ۵۲، ص ۳۱، ح ۲۷.

(۳۹)

﴿ جواب نامه و ناراحتی از برگشت هدیه ﴾

و نیز مرحوم شیخ مفید، صدوق، کلینی و دیگر بزرگان رضوان الله علیهم، به نقل از شخصی به نام حسن فرزند فضل بن زید - از اهالی یمن - حکایت کند:

رزوی پدرم نامه‌ای با دست خطّ خودش برای حضرت حجّة بن الحسن، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشت و حضرت جواب آن را برای پدرم فرستاده، من نیز به دنبال آن نامه‌ای برای حضرت نوشتم و جوابش برایم آمد.

سپس پدرم نامه‌ای دیگر توسط یکی از دانشمندان نوشت و برای حضرت فرستاد؛ ولی جواب این نامه نیامد، وقتی تحقیق و بررسی کردیم، فهمیدیم که آن دانشمند از اعتقادات حقّه خود دست برداشته است، به همین جهت حضرت جواب دست خطّ او را نفرستاده بود.

حسن بن الفضل افزود: پس از مدّتی به قصد زیارت مشاهد مشرفه، به سمت عراق و خراسان حرکت کردم؛ و چون به شهر سامراء رسیدم و زیارت کردم، در پایان وارد مقام و سرداب غیبت امام زمان علیه السلام شدم، با خود گفتم: ایّام حجّ نزدیک است و ترسیدم از این که مبادا نتوانم برای حجّ مشرف شوم.

در همین افکار بودم که پیش یکی از علماء به نام محمد بن احمد رفتم و از او تقاضای کمک نمودم؟

در پاسخ، به من گفت: به فلان مسجد می‌روی، در آن جا شخصی را خواهی دید که او مشکل تو را حل خواهد نمود.

وقتی وارد آن مسجد شدم، پس از لحظاتی شخصی داخل شد و بدون آن که مرا از قبل دیده باشد، با نگاهی به من تبسمی نمود و اظهار داشت: ای حسن بن الفضل! غمگین و ناراحت مباش، در همین سال به زیارت خانه خدا مشرف می‌شوی و مناسک حج را انجام می‌دهی و بعد از آن صحیح و سالم به منزل و نزد خانواده‌ات بازخواهی گشت.

با شنیدن سخنان دلنشین او، قلبم آرام گرفت.

بعد از آن، همان شخص کیسه‌ای را به من داد که داخل آن مقداری پول و تعدادی لباس بود، با خود گفتم: این‌ها ناقابل است و برگرداندم، او هم کیسه و لباس‌ها را گرفت و بدون آن که با من مطرح سخنی نماید، حرکت و رفت.

در همین لحظه به خود آمدم و گفتم: عجب کار زشت و اشتباهی کردم، چرا هدایا را برگرداندم؟!

و سپس نامه‌ای به محضر شریف حضرت نوشتم و ضمن عذرخواهی، از آن حضرت طلب پوزش کردم.

این جریان در حالی واقع شد که از اموال دنیا هیچ نداشتم، مگر

لباسی را که پوشیده بودم و مرا غم و اندوه شدیدی فرا گرفته بود، ناگهان شخصی به عنوان مأمور حضرت وارد شد و اظهار داشت: کار بدی کردی؛ هنوز مولایت را نشناخته‌ای، ما به دوستان این چنین کمک‌هایی را می‌کنیم و چه بسا دوستان ما خودشان بجهت تبرک، از ما تقاضا و درخواست کمک کنند؛ و پس از این صحبت‌ها نامه‌ای تحویل من داد که در آن نوشته شده بود:

اشتباه کردی که هدایای ما را برگرداندی و نپذیرفتی، پس اگر استغفار و توبه کردی، خداوند متعال گناهان تو را می‌آمرزد و در هر حال چنانچه از کردار خود پشیمان هستی، این کیسه را بگیر و پول‌های آن را خرجی راه و هزینه زندگی خود قرار بده و پیراهن را برای احرام حج استفاده کن.

و من بسیار خوشحال شدم و با گرفتن آن هدایا شکر و سپاس خداوند متعال را به جای آوردم.^(۱)

۱ - اصول کافی: ج ۱، ص ۵۲۰، ح ۱۳، ارشاد شیخ مفید: ص ۳۵۳، غیبه شیخ طوسی: ص ۲۸۲،

ح ۲۴۰، إكمال الدین شیخ صدوق: ص ۴۹۰، ح ۱۳.

(۴۰)

﴿ اطلّاعیه‌ای بر غیبت کبری ﴾

مرحوم شیخ طوسی و صدوق آورده‌اند براین که یکی از اصحاب به نام ابومحمّد، حسن بن احمد حکایت کند:
در آن سالی که وکیل خاصّ حضرت بقیّة الله الأعظم علیه السلام به نام شیخ علیّ بن محمّد سمریّ رضوان الله علیه وفات یافت، چند روز پیش از آن به دیدارش رفتیم؛ و عده‌ای از مردم نیز به ملاقات آن بزرگوار آمده بودند.

نامه‌ای را از طرف حضرت صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشّریف به جمعیت حاضر در منزلش، ارائه نمود، که در آن مرقوم فرموده بود:

بسم الله الرّحمن الرّحیم، ای علیّ بن محمّد سمریّ! خداوند به دوستان و آشنایان تو أجر عنایت فرماید، همانا که مدّت عمر تو به پایان رسیده است و تا شش روز دیگر رحلت خواهی نمود، کارهای خود را انجام بده و آمادهّ رحلت برای جهان ابدی باش.

به کسی بعد از خودت وصیت نکن و کسی را جانشین خویش مگردان، چون که زمان غیبت کبری فرا رسیده است.

و پس از آن، دیگر - به طور مشخص و آشکارا - ظهور نخواهم کرد، مگر آن که خداوند متعال اجازه فرماید، که مدّت زمانی بسیار

طولانی باید سپری شود.

قبل از ظهور من دل‌های مردم، سیاه و تاریک و بی‌رحم خواهد شد، ظلم و تجاوز بر زمین گسترانیده می‌شود.

سپس در پایان آن نامه شریفه، چنین مرقوم فرموده بود:

بعضی از افراد ادّعی دیدار و ملاقات با مرا می‌نمایند، هرکس قبل از خروج سفیانی و قبل از صیحة آسمانی چنین ادّعائی را بنماید - که مرا به طور مشخص دیده است - او دروغ‌گو و مفتری می‌باشد.^(۱)

«و لا حول و لا قوّة إلا بالله العلیّ العظیم».

ابو محمد حسن بن احمد در ادامه افزود: من آن نامه و مرقومه شریفه را دیدم و چون روز ششم فرا رسید به منزل وی آمدم، او را در حال احتضار یافتیم، به او گفته شد: وصی و جانشین تو کیست؟ در پاسخ اظهار داشت: تمام امور برای خداوند و در اراده او می‌باشد و تمام مقدرات در دست او است.

و این آخرین کلامی بود که گفت و به لقاءالله پیوست و دیگر کسی از او سخنی نشنید.^(۲)

۱ - بنا بر این، بزرگانی که خدمت حضرت شرف حضور یافته‌اند در ابتداء ملاقات، امام زمان سلام الله علیه را شناخته‌اند، بلکه پس از جدائی به وسیله علائم و نشانه‌هایی، آن حضرت را شناخته‌اند؛ و فرمایش حضرت شامل این افراد نمی‌شود.

۲ - غیبت شیخ طوسی: ص ۳۹۵، ح ۳۶۵، إكمال الدین شیخ صدوق: ص ۵۱۶ ح ۴۴، خرائج راوندی: ج ۳، ص ۱۱۲۸، بحار: ج ۵۱، ص ۳۶۰، ح ۷، و ج ۵۳، ص ۳۱۸، س ۳.

﴿ منقبت دوازدهمین ستارهٔ هدایت ﴾

افسوس که عمری پی اغیار دویدیم
 از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم
 سرمایه ز کف رفت و تجارت نمودیم
 جز حسرت و اندوه متاعی نخریدیم
 پس سعی نمودیم که ببینیم رخ دوست
 جانها به لب آمد، رخ دلدار ندیدیم
 ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر
 آبی به جز از خون دل خود نچشیدیم
 ای بسته به زنجیر تو دل‌های محبان
 رحمی که در این بادیه بس رنج کشیدیم
 چندان که به یاد تو شب و روز نشستیم
 از شام فراق تو چو سحرگه ندیدیم
 ای حجت حق پرده ز رخسار برافکن
 کز هجر تو ما پیرهن صبر دریدیم
 ما چشم به راهیم به هر شام و سحرگاه
 در راه تو از غیر خیال تو رهیدیم
 ای دست خدا دست برآور که ز دشمن
 بس ظلم بدیدیم و بسی طعنه شنیدیم

شمشیر کجّت، راست کند قامت دین را

هم قامت ما را که ز هجر تو خمیدیم^(۱)

* * * * *

ای صاحب ولایت و والاتر از همه

ای چشمه حیات و افاضات دائمه

ای ابتدای خلقت و سر حلقه وجود

ای انتهای سلسله اولیاء همه

از جلوه تو، خلقت عالم شروع شد

از عمر تو، به دور زمان، حُسن خاتمه

شاهها به افتخار قدوم شریف تو

شد سامرا به عالم ایجاد عاصمه

یابن الحسن بیا، که شد از روز غیبتت

دنیا پر اضطراب و بشر در مخاصمه

از سینه‌هاست، نعره صلح و صفا بلند

و ز کینه‌هاست، فکر همه در مهاجمه

مشکل بود، که جمله حق بشنود کسی

کز باطل است، گوش بشر پر ز همه

قرآن، که «لَا يَمُسه إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»

با رأی هر کسی، شده تفسیر و ترجمه

تا دولت جهانی خود را به پا کنی

دادت خدا شجاعت و نیروی لازمه

۱ - اشعار از شاعر محترم: آقای میرزای نوغانی خراسانی.

حکم تو عدل مطلق و فرمان داور است
 حاجت نباشدت به شهود و محاکمه
 ز آن سرکشان، که مردم دنیا به وحشتند
 قلب سلیم و پاک تو را نیست واهمه
 با این قوای جهانگیر ظالمان
 تنها توئی امید بشر، یا ابن فاطمه (ع)
 ای پرچم شکوه تو بر آسمان بلند
 یک ره، نظر فکن به علمدار علقمه
 بنگر به خاک و خون، عَلم سر نگون او
 گسوئی که با درفش تو دارد مکالمه
 امشب (حسان) به یاد تو از غصه فارغ است
 هر دم کند دعای ظهور تو، زمزمه^(۱)

﴿ پنج درس ارزشمند و آموزنده ﴾

۱ - یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به نام ابوهارون حکایت کند:

روزی خدمت آن حضرت شرفیاب شدم، نوزادی را در حضور او دیدم - که همچون ماه شب چهارده نورانی بود - قنடைه او را گرفتم و باز کردم، دیدم که ختنه شده است.

از پدرش امام عسکری علیه السلام سؤال کردم که چه وقت و چگونه ختنه شد؟

فرمود: این نوزاد مهدی موعود است و او همانند دیگر ائمه ختنه شده به دنیا آمده است، چون هر یک از ما ائمه، ختنه شده وارد دنیا شده ایم، ولی بجهت اجرای سنت شریعت اسلام تیغ را بر محل ختنه گاه می کشیم. ^(۱)

* * * * *

۲ - دو نفر از خدمت گزاران امام حسن عسکری علیه السلام به نام نسیم و ماریه حکایت کنند:

چون حضرت مهدی، نوزاد امام حسن عسکری علیه السلام تولد یافت،

۱- إكمال الدین مرحوم صدوق: ص ۴۳۴، ح ۱، إعلام الوری طبرسی: ج ۲، ص ۲۱۷.

انگشت سبابة خود را به نشانه یکتائی خداوند متعال به سوی آسمان بلند کرد و پس از آن عطسه‌ای نمود و اظهار داشت: «الحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد وآله».

یعنی؛ سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است و درود بر محمد و بر اهل بیتش باد؛ و سپس فرمود: ظالمان و ستمگران گمان کرده‌اند حجت الهی بی‌زبان می‌باشد!!

چنانچه خداوند اجازه سخن گفتن دهد، آن وقت شک و شبهه همگان برطرف می‌گردد. (۱)

* * * * *

۳ - امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چهار سیره و روش از چهار پیامبر از پیغمبران الهی را دارا می‌باشد:

سنت و روش حضرت موسی کلیم علیه السلام که «خائفاً یترقب» بود، یعنی؛ خوفناک و هر لحظه در انتظار فرج و ظهور می‌باشد.

سنت و سیره حضرت عیسی مسیح علیه السلام که گفتند: مرده است ولی فوت نکرد، بلکه غایب گردید.

سنت حضرت یوسف علیه السلام که ناپدید شد.

۱ - إكمال الدین ص ۴۳۰، ح ۵، غیبة شیخ طوسی: ص ۲۴۴، ح ۲۱۱، إعلام الوری طبرسی: ج ۲،

سنت و سیره جدش، حضرت رسول محمد بن عبدالله ﷺ که با شمشیر و جهاد قیام نمود و وظیفه خود را به پایان رساند. (۱)

* * * * *

۴ - امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نماید و وارد شهر کوفه گردد، گوشه‌ای از مسجد کوفه را اشاره نماید تا حفر نمایند؛ و چون آن محل را حفر کنند، تعداد دوازده هزار زره، شمشیر و سپر بیرون آورند.

سپس دوازده هزار نفر عرب و عجم از پیروان خود را - که از شهرها و مناطق مختلف حضور یافته‌اند - دستور می‌دهد تا هر کدام با آن سلاح، مجهز شوند و چون آماده گردند، دستور دهد: هر کس در موقعیت شما قرار نگرفت او را به هلاکت رسانید - چون حجت الهی بر همگان تمام شده است. - (۲)

* * * * *

۵ - همچنین از حضرت صادق آل محمد علیهم السلام وارد شده است که فرمود: تمام علوم و فنون و تمام احکام و قوانین در بیست و هفت حرف

۱ - غیبه طوسی: ص ۴۲۸، ح ۴۰۸، اكمال الدین ص ۳۲۶، ح ۶ و ص ۳۵۰، ح ۴۶، اعلام الوری: ج ۲، ص ۲۳۲، س ۱۴، و ص ۲۳۱، س ۸ و ۲۳۳، س ۱، با تفاوت.

۲ - اختصاص شیخ مفید: ص ۳۳۴.

خلاصه گشته است و توسط پیامبران الهی علیهم السلام تنها دو حرف از آن حروف منتشر شده است و مردم غیر از آن دو حرف چیز دیگری را نمی دانند.

ولی هنگامی که مهدی موعود، قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور نماید بیست و پنج حرف نزد او باقی مانده است؛ و آن حضرت مردم را نسبت به مجموع حروف آشنا می نماید و تمام قوانین و احکام شریعت مقدّس سعادت بخش اسلام را در آن جامعه به اجراء در خواهد آورد.^(۱)

﴿ اظهار محبت نسبت به حضرت مهدی (عج) ﴾

صبحدم پیک مسیحا دم جانان آمد
 گفت برخیز که آرام دم و جان آمد
 این نسیم ملکوتی ز کدامین چمن است
 که چو انفاس سحر غالیه افشان آمد
 می‌کند مرغ سحر زمزمه بر شاخه گل
 که ز نرجس ثمری پاک به دوران آمد
 سحر از پرده‌نشینان حریم ملکوت
 نغمه برخاست که آن خسرو خوبان آمد
 خفتگان را رسد این طرفه بشارت ز سروش
 که سحرگاه شب نیمه شعبان آمد
 چهره، ای زهره بپوشان که ز بام ملکوت
 زهره فاطمه با چهره تابان آمد
 شهسوار است که با صولت و شمشیر علی (ع)
 از پی کشتن کفار به میدان آمد
 مظهر صلح حسن (ع) اوست که وجه حسن
 پی آرامش دل‌های پریشان آمد
 آن که اندر رگ او خون حسین بن علی است
 پی خونخواهی سالار شهیدان آمد
 در ره زهد و عبادت چو علی بن حسین
 پی خونخواهی سالار شهیدان آمد

علم باقر (ع) همه در اوست که با مثل علم
 رهبر جامعه بی سر و سامان آمد
 تا ز ناپاک کند مذهب صادق (ع) را پاک
 با دلی روشن و آکنده ز ایمان آمد
 همچو کاظم که بود قبله حاجات و مراد
 دردمندان جهان را پی درمان آمد
 چون رضا تا که کند تکیه بر او رنگِ علوم
 وارث افسر سلطان خراسان آمد
 اوست سرچشمه تقوی و فضیلت چو جواد (ع)
 منبع فیض و جوانمردی و احسان آمد
 هادی وادی حق کز پی ارشاد بشر
 با چراغ خرد و دانش و عرفان آمد
 یادگار حسن عسکری (ع) پاک سرشت
 که جهان را کند از عدل گلستان آمد
 قائم آل محمد (ص) شه اقلیم وجود
 که به فرماندهی عالم امکان آمد
 ای شه منتظر از منتظران چهره میپوش
 که دگر جان به لب از محنت هجران آمد
 همه گویند که مفتاح فرج صبر بود
 صبر نثوان که دگر عمر به پایان آمد^(۱)

﴿ چهل حدیث گهربار منتخب ﴾

قال الإمام المهدي، صاحب العصر و الزمان سلام الله عليه
وعجل الله تعالى فرجه الشريف:

۱- الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ أَنْ تَقُولُوا: إِنَّا قُدُورَةٌ وَ أئِمَّةٌ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ، وَ أَمْنَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ حُجَجُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ
وَ الْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَضْلَ الْخِطَابِ.^(۱)

فرمود: بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که
ما اهل بیت رسالت، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند
متعال در زمین هستیم.

همچنین ما امین خداوند بر بندگانش و حجت او در جامعه می باشیم، حلال و
حرام را می شناسیم، تأویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم.

۲- قَالَ ﷺ: أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ
وَتَّبِعْتَنِي.^(۲)

فرمود: من آخرین وصی پیغمبر خدا هستم به وسیله من بلاها و فتنه ها از
آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد.

۱- تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۱۶، بحار الأنوار: ج ۸۹، ص ۹۶، ح ۵۸.

۲- دعوات راوندی: ص ۲۰۷، ح ۵۶۳.

۳- قَالَ علیه السلام: أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِيعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا (أَحَادِيثِنَا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. (۱)

فرمود: جهت حل مشکلات در حوادث - امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آنها در زمان غیبت خلیفه و حجّت من بر شما هستند و من حجّت خداوند بر آنها می باشم.

۴- قَالَ علیه السلام: الْحَقُّ مَعَنَا، فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَعَنَا، وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبَّنَا، وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعِنَا. (۲)

فرمود: حقانیت و واقعیت با ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد و کناره گیری عده‌ای از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، چرا که ما دست پرورده‌های نیکوی پروردگار می باشیم؛ و دیگر مخلوقین خداوند، دست پرورده‌های ما خواهند بود.

۵- قَالَ علیه السلام: إِنَّ الْجَنَّةَ لِأَحْمَلٍ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَ لِأَوْلَادَةٍ، فَإِذَا اشْتَهَى مُؤْمِنٌ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ حَمَلٍ وَ لِأَوْلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ علیه السلام عِبْرَةً. (۳)

فرمود: همانا بهشت جایگاهی است که در آن آبستن شدن و زایمان برای

۱- بحار الأنوار: ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۳، و ۵۳، ص ۱۸۱، س ۳، و ج ۷۵، ص ۳۸۰، ح ۱.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۸، ضمن ح ۹.

۳- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۶۳، س ۱۶، ضمن ح ۴.

زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنی آرزوی فرزند نماید، خداوند متعال بدون جریان حمل و زایمان، فرزند دلخواهش را به او می‌دهد همان طوری که حضرت آدم علیه السلام را آفرید.

۶- قَالَ صَلَّى: لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعَهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَ لَا يَدَّعِيهِ إِلَّا جَاحِدٌ كَافِرٌ. (۱)

فرمود: کسی با ما، در رابطه با مقام ولایت و امامت مشاجره و منازعه نمی‌کند مگر آن که ستمگر و معصیت کار باشد، همچنین کسی مدعی ولایت و خلافت نمی‌شود مگر کسی که منکر و کافر باشد.

۷- قَالَ صَلَّى: إِنْ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٍ، وَ لَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ. (۲)

فرمود: حقیقت - در همه موارد و امور - با ما و در بین ما اهل بیت عصمت و طهارت خواهد بود و چنین سخنی را هر فردی غیر از ما بگوید دروغ گو و مفتری می‌باشد؛ و کسی غیر از ما آن را ادعا نمی‌کند مگر آن که گمراه باشد.

۸- قَالَ صَلَّى: أَبِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا اِتِّمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقًا. (۳)

فرمود: همانا خداوند متعال، إِبَاء و امتناع دارد نسبت به حق مگر آن که به اِتِّمَام و کمال برسد و باطل، نابود و مضمحل گردد.

۱- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، ضمن ح ۹.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، ضمن ح ۱۹.

۳- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۹۳، ضمن ح ۲۱.

۹- قَالَ علیه السلام: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغُوتِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي. (۱)

فرمود: همانا پدران من (ائمه و اوصیاء علیهم السلام)، بیعت حاکم و طاغوت زمانشان، بر ذمه آنها بود؛ ولی من در هنگامی ظهور و خروج نمایم که هیچ طاغوتی بر من منت و بیعتی نخواهد داشت.

۱۰- قَالَ علیه السلام: أَنَا الَّذِي أَخْرُجُ بِهَذَا السَّيْفِ فَأَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. (۲)

فرمود: من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می‌کنم و زمین را پر از عدل و داد می‌نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

۱۱- قَالَ علیه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا، وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا الْإِصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيزَارُ، وَ لَا تَحَاوَلُوا كَشْفَ مَا غُطِّيَ عَنْكُمْ. (۳)

فرمود: از خدا بترسید و تسلیم ما باشید، و امور خود را به ما واگذار کنید، چون وظیفه ما است که شما را بی‌نیاز و سیراب نمائیم همان طوری که ورود شما بر چشمه معرفت به وسیله ما می‌باشد؛ و سعی نمائید به دنبال کشف آنچه از شما

۱- الدرّة الباهرة: ص ۴۷، س ۱۷، بحار الأنوار: ج ۵۶، ص ۱۸۱، س ۱۸.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۴، و ج ۵۵، ص ۴۱.

۳- إكمال الدین: ج ۲، ص ۵۱۰، بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱.

پنهان شده است نباشید.

۱۲ - قَالَ ﷺ: أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبَلُهَا إِلَّا لِتُطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ،
وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ. (۱)

فرمود: اموال - خمس و زکوت - شما را جهت تطهیر و تزکیه زندگی و ثروتان می پذیریم، پس هر که مایل بود پردازد، و هر که مایل نبود پردازد.
۱۳ - قَالَ ﷺ: إِنَّا نُحِبُّ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ. (۲)

فرمود: ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست.

۱۴ - قَالَ ﷺ: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَ يَأْتِ مُصَلًّا. (۳)

فرمود: هر که خواهسته‌ای و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند، در جایگاه نمازش قرار گیرد.

۱۵ - قَالَ ﷺ: يَا بَنَ الْمَهْزِيَارِ! لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهَلَكَ مَنْ عَلَيْهَا، إِلَّا خَوَاصَّ الشَّيْعَةِ الَّتِي تَشْبَهُ أَقْوَالَهُمْ أَفْعَالَهُمْ. (۴)

۱ - إكمال الدين: ج ۲، ص ۴۸۴، بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲ - احتجاج: ج ۲، ص ۴۹۷، بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۳ - مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۵۱۷، ح ۲۶۰۶.

۴ - مستدرک ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۵۷۹۵.

فرمود: اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هر کس روی زمین بود هلاک می‌گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است.

۱۶ - قَالَ علیه السلام : وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ علیه السلام لَمْ يَمُتْ فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلَالٌ. (۱)

فرمود: و اما کسانی که معتقد باشند حسین علیه السلام زنده است و وفات نکرده، کفر و تکذیب و گمراهی است.

۱۷ - قَالَ علیه السلام : مِنْ فَضْلِهِ، أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَ يُدِيرُ السَّبْحَةَ، فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ. (۲)

فرمود: از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعائی هم خوانده نشود.

۱۸ - قَالَ علیه السلام : فِيمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا بِجِمَاعٍ مُحَرَّمٍ أَوْ طَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ: إِنَّ عَلَيْهِ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ. (۳)

فرمود: کسی که روزه ماه رمضان را عمدتاً با چیز یا کار حرامی افطار - و باطل - نماید، (غیر از قضای روزه نیز) هر سه نوع کفاره (۶۰ روزه، اطعام ۶۰

۱ - غیبة طوسی: ص ۱۷۷، وسائل الشیعة: ج ۲۸، ص ۳۵۱، ح ۳۹.

۲ - بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۶۵، س ۸، ضمن ح ۴.

۳ - من لا یحضره الفقیه: ج ۲، ص ۷۴، ح ۳۱۷، وسائل الشیعة: ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۱۲۸۱۶.

مسکین، آزادی یک بنده) بر او واجب می شود.

۱۹- قَالَ ﷺ: أَلَا أُبَشِّرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟ قُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: هُوَ أَمَانٌ مِنْ

الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. (۱)

نسیم خادم گوید: در حضور حضرت عطسه کردم، فرمود: می خواهی تو را بر

فوائد عطسه بشارت دهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمود: عطسه، انسان را تا سه روز از مرگ نجات می بخشد.

۲۰- قَالَ ﷺ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ.

(وَقَالَ ﷺ: مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. (۲))

فرمود: ملعون و مغضوب است کسی که نام اصلی مرا در جایی بیان کند.

و نیز فرمود: هر که نام اصلی مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت

و غضب خداوند می باشد.

۲۱- قَالَ ﷺ: يَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَاقُرْبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا،

وَلِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأً يَبْغَتْهُ فُجَاءَةٌ

حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حُوبَةٍ. (۳)

فرمود: هر یک از شما باید عملی را انجام دهد که سبب نزدیکی به ما و جذب

۱- إكمال الدين: ص ۴۳۰، ح ۵، وسائل الشیعة: ج ۱۲، ص ۸۹، ح ۱۵۷۱۷.

۲- وسائل الشیعة: ج ۱۶، ص ۲۴۲، ح ۱۲، بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۴، ح ۱۳ و ۱۴.

۳- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۶، س ۵، ضمن ح ۷، به نقل از احتجاج.

محبت ما گردد؛ و باید دوری کند از کرداری که ما نسبت به آن، ناخوشایند و خشمناک می‌باشیم، پس چه بسا شخصی در لحظه‌ای توبه کند که دیگر به حال او سودی ندارد و نیز او را از عقاب و عذاب الهی نجات نمی‌بخشد.

۲۲ - قَالَ علیه السلام: إِنَّ الْأَرْضَ تَصِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. (۱)

فرمود: زمین تا چهل روز از ادرار کسی که ختنه نشده است ناله می‌کند.

۲۳ - قَالَ علیه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السُّنَنِ وَ أَوْجِبِهَا. (۲)

فرمود: سجده شکر پس از هر نماز از بهترین و ضروری‌ترین سنتها است.

۲۴ - قَالَ علیه السلام: إِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ. (۳)

فرمود: به درستی که من سبب آسایش و امنیت برای موجودات زمینی هستم، همان طوری که ستاره‌ها برای اهل آسمان امان هستند.

۲۵ - قَالَ علیه السلام: قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشِيَّةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا. (۴)

فرمود: قلوب ما ظرف‌هایی است برای مشیت و اراده الهی، پس هرگاه او بخواهد ما نیز می‌خواهیم.

۲۶ - قَالَ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَأَفَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ

۱ - وسائل الشیعة: ج ۲۱، ص ۴۴۲، ح ۲۷۵۳۴.

۲ - وسائل الشیعة: ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳، بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۶۱، ضمن ح ۳.

۳ - الدرّة الباهرة: ص ۴۸، س ۳.

۴ - بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۵۱، س ۴، به نقل از غیبة نعمانی.

يُوحِثُنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا. (۱)

فرمود: خدا با ما است و نیازی به دیگران نداریم؛ و حق با ما است و هر که از ما روی گرداند باکی نداریم.

۲۷ - قَالَ ﷺ: مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّلَاةِ. (۲)

فرمود: هیچ چیزی و عملی همانند نماز، بینی شیطان را به خاک ذلت نمی‌مالد و او را ذلیل نمی‌کند.

۲۸ - قَالَ ﷺ: لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ. (۳)

فرمود: برای هیچکس جایز نیست که در اموال و چیزهای دیگران تصرف نماید مگر با اذن و اجازه صاحب و مالک آن.

۲۹ - قَالَ ﷺ: فَضْلُ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ

بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ. (۴)

فرمود: فضیلت تعقیب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب نسبت به بعد از نمازهای مستحبی همانند فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب می‌باشد.

۳۰ - قَالَ ﷺ: أَفْضَلُ أَوْقَاتِهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (۵)

فرمود: (برای انجام نماز جعفر طیار) بهترین و با فضیلت‌ترین اوقات پیش از

۱ - بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، إكمال الدين: ج ۲، ص ۵۱۱.

۲ - بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۲، ضمن ح ۱۱.

۳ - بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۳، ضمن ح ۱۱.

۴ - بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۶۱، ضمن ح ۳.

۵ - بحار الأنوار: ج ۵۶، ص ۱۶۸، ضمن ح ۴.

ظهر روز جمعه خواهد بود.

۳۱ - قَالَ علیه السلام : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنَ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ. (۱)

فرمود: ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.

۳۲ - قَالَ علیه السلام : إِنَّ اللَّهَ قَنَعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَ فَوَائِدِ اِمْتِنَانِهِ. (۲)

فرمود: همانا خداوند متعال، ما اهل بیت را به وسیله احسان و نعمت‌هایش قانع و خودکفا گردانده است.

۳۳ - قَالَ علیه السلام : إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي، وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ. (۳)

فرمود: بین خداوند و هیچ یک از بندگانش، خویشاوندی وجود ندارد - و برای هرکس به اندازه اعمال و نیات او پاداش داده می‌شود - هرکس مرا انکار نماید از (شیعیان و دوستان) ما نیست و سرنوشت او همچون فرزند حضرت نوح علیه السلام خواهد بود.

۳۴ - قَالَ علیه السلام : أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا وَإِمَّا مَغْمُورًا. (۴)

۱- بحارالأنوار: ج ۵۵، ص ۱۶ و ضمن ح ۱۳، و ص ۸۶، ص ۶۰، ح ۲۰.

۲- بحارالأنوار: ج ۵۲، ص ۳۸، ضمن ح ۲۸.

۳- بحارالأنوار: ج ۵۰، ص ۲۲۷، ح ۱، به نقل از احتجاج.

۴- بحارالأنوار: ج ۵۳، ص ۱۹۱، س ۵، ضمن ح ۱۹.

فرمود: آگاه و متوجه باشید بر این که در هیچ حالتی، زمین خالی از حجت خداوند نخواهد بود، یا به طور ظاهر و آشکار و یا به طور مخفی و پنهان.

۳۵- قَالَ ﷺ: إِذَا أَدَانَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ، وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ. (۱)

فرمود: چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بیان حقایق را به ما بدهد، حقیقت آشکار می‌گردد و باطل نابود می‌شود و خفیان و مشکلات برطرف خواهد شد.

۳۶- قَالَ ﷺ: وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِى فِى غَيْبَتِى فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ. (۲)

فرمود: چگونگی بهره‌گیری و استفاده از من در دوران غیبت همانند انتفاع از خورشید است در آن موقعی که به وسیله ابرها از چشم افراد ناپدید شود.

۳۷- قَالَ ﷺ: وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ، وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيْكُمْ. (۳)

فرمود: هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجراء احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظها و سفارشات لازم را نموده‌ام؛ و خداوند متعال نسبت به همه ما

۱- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۹۶، س ۱۲، ضمن ح ۲۱.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۲۱، ضمن ح ۱۰.

۳- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۷۹، س ۱۶، ضمن ح ۹.

و شما گواه می باشد.

۳۸- قَالَ عليه السلام: أَمَا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ. (۱)

فرمود: زمان ظهور من مربوط به اراده خداوند متعال می باشد و هر کس زمان آن را معین و معرفی کند دروغ گفته است.

۳۹- قَالَ عليه السلام: أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجَكُمْ. (۲)

فرمود: برای تعجیل ظهور من - در هر موقعیت مناسبی - بسیار دعا کنید که در آن فرج و حل مشکلات شما خواهد بود.

۴۰- دَفَعَ إِلَيَّ دَفْتَرًا فِيهِ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَ صَلَاةٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ عليه السلام: فِيهِذَا

فَادَعُ. (۳)

یکی از مؤمنین به نام ابومحمد، حسن بن وجناء گوید: زیر ناودان طلا در حرم خانه خدا بودم که حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم، دفتری را به من عنایت نمود که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود.

سپس فرمود: به وسیله این نوشته ها بخوان و برای ظهور و فرج من دعا کن و بر من درود و تحیت بفرست.

۱- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۱، ضمن ح ۱۰.

۲- بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۸۱، س ۲۳، ضمن ح ۱۰.

۳- إكمال الدين شيخ صدوق: ص ۴۴۳، ح ۱۷، بحار الأنوار: ج ۵۲، ص ۳۱، ضمن ح ۲۷.

و آن دعا بر حسب مشهور چنین نقل شده است:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ «الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ»

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي

كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَاعِداً وَ نَاصِراً

وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ

أَرْضَكَ طَوْعاً وَ

تُمَتِّعَهُ فِيهَا

طَوِيلاً» (۱)

* * * * *

* * * *

* * *

* *

﴿ فهرست موضوعی احادیث ﴾

- ۱ - احکام: ۱، ۳، ۱۱، ۱۲، ۲۳، ۲۸.
 ۲ - امام حسین ع: ۱۶، ۱۷.
 ۳ - امام زمان (عج): ۲، ۳، ۹، ۱۰، ۲۰، ۲۴، ۳۳، ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۰.
 ۴ - اهل بیت علیهم السلام: ۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۴، ۳۷.
 ۵ - باطل: ۶، ۸، ۱۶، ۳۵.
 ۶ - بلاء و حوادث: ۲.
 ۷ - بهشت: ۵.
 ۸ - تسبیح: ۱۷، ۲۹.
 ۹ - تصرف در اموال: ۲۸.
 ۱۰ - تقوا و تسلیم: ۱۱.
 ۱۱ - توبه و استغفار: ۱۵، ۲۱.
 ۱۲ - جمعه: ۱۴، ۳۰.
 ۱۳ - حقانیت: ۴، ۷، ۸، ۲۶، ۳۵.
 ۱۴ - خداوند: ۸، ۲۵، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷.
 ۱۵ - دعا و حاجت: ۱۴، ۱۷، ۲۳، ۲۹.
 ۱۶ - زکات و خمس: ۱۲.
 ۱۷ - شیطان: ۲۷.
 ۱۸ - شیعه: ۲، ۱۵، ۳۷.
 ۱۹ - ظالم: ۶، ۷.
 ۲۰ - عطسه کردن: ۱۹.
 ۲۱ - علم و معارف: ۱، ۳.
 ۲۲ - فرزندان: ۵.
 ۲۳ - قرآن: ۱.
 ۲۴ - کفاره روزه: ۱۸.
 ۲۵ - گناهان: ۶، ۷، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۳۱.
 ۲۶ - مرگ: ۱۹.
 ۲۷ - نماز: ۱۴، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱.

بخشی از منشورات مهدی یار ﴿﴾

مؤلف

نام کتاب

- ۱- در حریم عشق سید عبدالله حسینی
- ۲- داستانهای از معراج پیامبر اکرم ﷺ = = =
- ۳- داستانهای شیرین از نماز شب = = =
- ۴- داستانهای از بازگشت ائمه علیهم السلام به این دنیا = = =
- ۵- داستانهای از انوار آسمانی ر - یوسفی
- ۶- داستانهای از زمین کربلا = =
- ۷- داستانهای از غیرت سید طه موسوی هشترودی
- ۸- داستانهای از زیارت عاشورا و ثرت سیدالشهداء علیهم السلام حیدر قنبری
- ۹- داستانهای از علماء علیرضا خاتمی
- ۱۰- ملاقات جوانان با صاحب الزمان علیهم السلام عبدالرضا خرمی
- ۱۱- راهنمای سعادت و خوشبختی عبدالله صالحی
- ۱۲- چهل داستان و چهل حدیث از حضرت رسول خدا ﷺ = =
- ۱۳- چهل داستان و چهل حدیث از امیرالمؤمنین امام علی علیهم السلام = =
- ۱۴- چهل داستان و چهل حدیث از حضرت فاطمه زهرا علیهم السلام = =
- ۱۵- چهل داستان و چهل حدیث از امام حسن مجتبی علیهم السلام = =
- ۱۶- چهل داستان و چهل حدیث از امام حسین علیهم السلام = =
- ۱۷- چهل داستان و چهل حدیث از امام زین العابدین علیهم السلام = =
- ۱۸- چهل داستان و چهل حدیث از امام محمد باقر علیهم السلام = =
- ۱۹- چهل داستان و چهل حدیث از امام جعفر صادق علیهم السلام = =

- ۲۰ - چهل داستان و چهل حدیث از امام موسی کاظم علیه السلام
- ۲۱ - چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا علیه السلام
- ۲۲ - چهل داستان و چهل حدیث از امام محمد جواد علیه السلام
- ۲۳ - چهل داستان و چهل حدیث از امام علی هادی علیه السلام
- ۲۴ - چهل داستان و چهل حدیث از امام حسن عسکری علیه السلام
- ۲۵ - چهل داستان و چهل حدیث از امام زمان علیه السلام
- ۲۶ - مجموعه چیستان و کیستان ج ۱
- ۲۷ - مجموعه چیستان و کیستان ج ۲